



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انیصابت - آگهی های رسمی و قانونی

سال دوازدهم

۴ شنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۳۴

شماره ۲۲۱۵

شماره مسلسل ۲۰۶  
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۰۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه  
نوزدهم بهمن ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان: دکترینا - شوشتری - حائری زاده
- ۳ - بیانات آقایان وزیر جنگ و وزیر کشور در جواب آقای حائری زاده
- ۴ - تقدیم لایحه تفریح بودجه ۱۳۳۲ مجلس شورای ملی بوسیله آقای خرازی
- ۵ - تقدیم آئین نامه قانون اصلاح هزینه های دادگستری و ثبت و ترمیم حقوق قضات بوسیله آقای معاون وزارت دادگستری
- ۶ - تقدیم یک فقره لایحه بقید یک فوریت بوسیله آقای معاون وزارت دارائی
- ۷ - تقدیم یک فقره لایحه بقید یک فوریت بوسیله آقای وزیر کشور
- ۸ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه

مجلس یک ساعت و چهل و پنج دقیقه پیش از ظهر بر ریاست آقای نورالدین امامی (نایب رئیس) تشکیل گردید

### ۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - اسمی غائبین جلسه قبل قرائت میشود:  
(شرح زیر قرائت شد):  
غائبین با اجازه - آقایان: خزیه، علم، دکتر جزایری، امیدسالار، صارمی، شبانی، مهندس ظفر، که یور، یارافشار، افخمی، سلطانی، تفضلی، سنندجی، اسفندیاری، احمد صفائی، دکتر عمید

بود آقایان: دکتر نیرومند، پیراسته، اورنگ، غائبین بی اجازه - آقایان: محمودی، قوامی، اریه، مهندس شاهرخ شاهی، رضائی، مسعودی، سرمد، دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان: ارباب، سعیدی، معین زاده، دکتر آهی، تیمورتاش، رضا افشار، عبدالحمید بختیار، دولتشاهی، موسوی، اردلان، کپکاسی، تجدد، حائری

زاده، صفاری، بزرگ ابراهیمی، دیر آمدگان و زود رفتگان بی اجازه - آقایان: نراقی، کاشانیان، امیر احتشامی، دکتر پیرنیا، فرود، امیر تیمور کلای، دکتر حمزوی، نقابت، نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری هست؟ آقای جلیلی جلیلی - آقای مسعودی مریض بودند و اجازه خواسته بودند استعفا می کنم اصلاح شود.

مسعودی - بنده مریض بودم و حالام با سینه درد آمده ام. نایب رئیس - اصلاح میشود. در صورت مجلس دیگر فرمایشی نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد.

### ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان دکترینا - شوشتری - حائری زاده

نایب رئیس - با اجازه آقایان نطقهای قبل از دستور شروع میشود آقای دکترینا - با اجازه مقام ریاست و نمایندگان معظم مجلس شورای ملی بنده عقیده دارم در مجلس مطالبی که صحبت میشود باید همواره با مصالح عالی کشور تطبیق کند (صحیح است) و خدای نکرده اگر از پشت این تریبون اغراض شخصی اظهار شود، جواب نماینده را نمایند باید بدهد دولت (صحیح است) باید کاری کنیم که خودمان خودمان را جواب بدهیم، نه اینکه وزرا از پشت تریبون به نماینده جواب بدهند. حالا با اجازه آقایان من مطالبی که اظهار شده خودم جواب میدهم (صحیح است)

بشهادت همکاران گرامی مجلس شورای ملی از بدو دوره ۱۸ قانونگذاری بر علیه مکتب ربا و منفی بافی و عوام فریبی مبارزه کرده ام آقایان تمام ملت ایران

اذعان دارد که در نتیجه همفکری و اتحاد و یگانگی نمایندگان وطن دوست و فدائیان مجلس هجدهم در شمار بر کارترین و مؤثرترین و مفیدترین ادوار تقنینیه ایران قرار گرفته است حال اگر درست تجزیه و تحلیل کنیم و علت این موفقیت را جستجو نماییم همان حس همکاری و افکار مثبتی است که معرک و راهنمای نمایندگان معظم دوره ۱۸ می باشد

آقایان در ایران دو مکتب مشخص و معین وجود داشته که گرداننده آن مسئول تمام بدبختی ها و خرابی کارهای مملکت می باشند

مکتب اول مکتب کمونیسم یعنی مکتب ماتریالیست دیالکتیک یعنی مکتب ماده پرستی و خداشناسی است با این که افراد قلیلی در ایران طرفداران این مکتب هستند و ایرانیان بطور عموم دارای مکتب دین اسلام و طریقه حقه جعفری میباشند و با ماده پرستی اساساً مخالفند. همین چند نفر طرفدار این مکتب موفق شد حداکثر خیانت را به ملت و مملکت ایران بنمایند آقایان تمام ملت ایران متوجه شدند اگر اراده و تفضل قادر متعال و فکر صائب شخص اول مملکت و فدکاری و همکاری عموم مردم ایران نبود اکنون اسمی از کشور عزیز ما در نقشه جهان برده نمیشد و اگر احیاناً چیزی از ایران باقی بود بنام ایرانستان در نقشه های جهانی نوشته میشد آقایان چه بلاهاتی که این مملکت بلا دیده از عمال این دسته که بدستور و هزینه اجنبی اداره میشد ندید این مکتب برای منصرف ساختن افکار معصوم جوانان این مملکت لغات و جملات و کلمات مخصوص بخود را بکار می برد که برای نمونه چند کلمه را ذکر میکنم: این کلمات عبارتست از امپریالیسم بریطانیای کبیر سرمایه داران یسکی دنیا امپریالیسم امریکائی

فشرده فشرده توده‌های مردم استعمارو استعمار امریالیست ها و غیره و غیره (عبدالصاحب صفائی - ارتجاع بین - المللی راهم بفرمائید) بله اتفاق بین المللی (خنده حضار) صفائی نه آقا ارتجاع بین المللی) مکتب دوم یعنی مکتب ربا و عوام فریبی و منفی بافی که متأسفانه بظاهر بنام جبهه ملی را در باطن با جدیت و پشتکار و افکار عوام فریبانه و ماهرانه و خائنه حزب خائن ایران و بقول خودشان با فکر ایران بایول ایران با قدرت ایرانی بایران خیانت نمودند و متأسفانه و بدبختانه اغلب آنان امروز بجرم آدم کشی نه بجرم سیاسی تحت تعقیب در آمده و در کنج زندان بسر می برند که اینهم یکی از بدبختی های مردم ایران بشمار می رود وطن دوستی و خدمت منحصر با افراد این مکتب است و لغات و جمالات و کلمات متداول آنان جاسوسی و خیانت و جوجه استوکس و تمام لغاتی است که توانسته از گونی معروف سدان بیرون بیاورد و تمام مقدسات ملی و مذهبی و سیاسی ما را لجن مال نمایند دیدیم آخرین مکتب بکجا انجامید و ملت محروم ایران که اینهمه در راه مبارزات ملی با پشتیبانی و نفوذ معنوی شخص اول مملکت فدائکاری کرده بود در نتیجه خودخواهی و عوام فریبی و رباکاری گردانندگان این دستگاه چه روز سیاهی نشست

اکنون آقایان جناب آقای حائری زاده آنانکه نعل وارونه زدند و اینهمه مهملات گفتند و اتهامات وارد آوردند چه شدند و چه کردند مردم عاقل و با فراسر ایران دیگر گول این حرفها را نمی خوردند

جناب آقای حائری زاده کی گفته بود از کجا معلوم که تمام بیست و چهار میلیون مردم ایران خائن و وطن فروش هستند و تنها شخص جناب عالی مبری از این اتهامات هستید؟

نایب رئیس - جناب آقای دکتر بینا استدعا میکنم توجه بفرمائید که هر کس در بیانناش آزاد است

دکتر بینا - بنده هم در جواب آزادم

نایب رئیس - نماینده از نماینده حق استیضاح ندارد

دکتر بینا - استیضاح نکردم توضیح عرض میکنم آقای حائری زاده جناب عالی که با انتخابات تهران معترض بودید چگونگی مدت بیش از ۲۰ ماه در همین مکان مقدس جلوس فرمودید و استعفا ندادید و ماهیانه ۱۷۰۰ تومان پورابراج ایران را از خزانه تهری مردم فقیر و تنگدست دریافت فرمودید جناب عالی که با اینگونه انتخابات معترض بودید چرا بیش از همه دوندگی کردید تا باین مکان مقدس تشریف بیاورید با قوام

السلطنه بودید برای اینکه وکیل شوید بامر حرم رزم آراء سازش داشتید برای اینکه وکیل شوید با مصدق یار غار بودید برای اینکه وکیل شوید پس از آنکه بمقصود رسیدید بجهه بد گفتید و همه را خائن نامیدید و خود را خدمتگذار خواندید این همان صفائی است که برای بیرون مکتب دوم عوام فریبی قائل شده از پشت همون تریبون راجع بداد گاهای نظامی و وظایف آن صحبت شد من میخواهم بدانم آیا این داد گاهای طبق نص صریح قوانین موجود معتبر مملکتی تشکیل شده است یا بدخواه من نماینده اگر قوانین این داد گاهها را ایجاد کرده است باید دید چه وظایفی بموجب همان قوانین بعهده دارد و چگونه باید آنها را انجام دهد والا صحبت بکنفر نماینده در مقابل قانون که اظهار نماید در چنین موقعی باید چنان عمل نماید بیک دیکتاتوری مسخرمای بیشتر شایهت دارد تا بیک حکومت دموکراسی آقایان آنان که داد قانون خواهی و دموکراسی میزدند جام زهر را نوشیدند و در مقابل قانون سر تعظیم فرود آوردند

آقایان چرا باید اینهمه دم از قدرت انگلیسها زد چرا اینهمه مردم را با قدرت انگلیسها باید تهدید نمود - چرا میخواهید من غیر مستقیم نشان بدهید که انگلیسها اینهمه نفوذ در مملکت مادرند چرا میخواهید تمام خدمتگزاران مملکت را بعنوان اینکه یک روز ممکن است انگلیسها آنان را محکوم نمایند یا مجازات کنند از کار و فعالیت آنها ببقع مردم ستم دیده این کشور مانع میگردید

پس جناب آقای حائری زاده انگلیسها که بعقیده جناب عالی اینهمه در کارهای کشور مادت دارند تا کنون فقط جناب عالی را توانسته اند تحت تأثیر قرار داده و متعایل بخود بسازند؟

متأسفانه آنانکه چکیده همان سیاست استعماری شرکت سابق نفت هستند شرکتی که ملت ایران اینهمه مبارز در علیه آن نموده همواره در مواقع حساس این نقش وارونه را بازی می کنند و میخواهند نشان بدهند که تمام این جریانات معلول سیاست انگلستان است و هر پیش آمدی که در این کشور رخ می دهد از همان سیاست الهام می گیرد -

آقایان این طرز فکر کردن همان طرز فکر خائنه است که ملت ایران را بخاک سیاه نشانده است

آقایان اگر ملت ایران در مبارزه نفت موفق نشد از اجازت مادی تمام آن نتیجه ای را که میخواست بگیرد لااقل از لحاظ سیاسی توانست بدینجا ثابت کند که ملتی آزاد و فداکار است و برای دفاع منافع خود از هیچ قدرتی بیم و هراس ندارد حالا شما

چه اصراری دارید که می خواهید این نتیجه سیاسی را هم با این بیانات بی دریغ از دست ما بگیری؟ چرا بیهانه دلسوزی این نتیجه سیاسی را هم این همه اسرار میخواهید پامال کنید؟ من بنام ملت ایران از پشت همین تریبون فریاد میکنم که هیچ سیاسی اعم از غرب و شرق و شمال و جنوب که بر خلاف منافع این مملکت باشد نمی تواند کردند، باید این را روشن کنیم زیرا به مثل ما اعدای علیکم که قرآن مقرر میاید، اگر کسی عملی کرد، اگر جرعی کرد اگر ارتکابی کرد مثل او باید عمل کرد از این جهت علی مرتضی سلوات اله علیه و علی ابنازه روز بیستم ماه مبارک رمضان که فردای آن روز با فراداش رحلت فرمود بایسرش وصیت فرمود، حسن بن علی پسر بزرگش را احضار فرمود و گفت فرزندجان، من این ضربت را خودم ممکن است نجات پیدا کنم و ممکن است ارتحال پیدا کنم، اگر نجات پیدا کردم خود میدانم با ضارب و آقای دکتر بینا تصور می کنم ایشان یک سوء تفاهمی برایشان پیدا شده است - من تصور می کنم تیمسار وزیر جنگ آن روز از نظر جوابگوئی و دفاع بوکیل وارد سخن نشدند فقط خواستند دفاع کنند از حیثیت محکمه قشون (صحیح است) و قضایات مملکت و حکومت نظامی، یعنی فرماندار نظامی و تیمسار بختیار و اینها من تصور نمی کنم که مستقیماً خیال کرده اند که در مقام جوابگوئی نماینده برآیند زیرا همانطور که اشاره فرمودید جواب نماینده را نماینده باید بدهد و همینطور هم پسندیده است، البته خوب جناب آقای حائری زاده می دانند چه در مجلس پنجم چه در مجالس دیگری که مفتخر بوده بخدمتگذاری من عادت ندارم از ادب خارج شوم و با همو عقیده ای پیدا کنم که عقیده و فکر آزاد بگوئی را بگو بگو بگو بخواهد تحت فشار قرار بدهد این طور نیست من آن روز هم عرض کردم، سوء تفاهم شده است، من حسن نیت برای ایشان قائلم عرض کردم ایشان در بیانات چون از تریبون مجلس بسم ملت ایران می رسد در مردمان ساده لوح اعم از عشایر و ایلو و تاجر و کاسب سواثر کند که ناچارم جواب بدهم، از این جهت وارد می شوم با کمال ادب بیک مرحله ای از سخن که ایشان رامتنه کردیم اولاً آقایان (همه نمایندگان) استدعا دارم توجه بفرمائید (زنک رئیس) در جرائم مشهود در جرائم مشهود قوانین یک ردیفی را معین کرده ولی در جرائمی که بقرینه ادله استعمار، استدلال خارج گرام می خواهد اثبات شود بیک روشی دارد، جرم مشهود روش خاصی دارد، هیچ تردید ندارد، ماض سال در این مملکت مواجه

شدم، واقع شدیم در اموری که یک مقدار آنرا روی ادله ای که مثل مشهودات است باید روشن سازیم، یک ادله ای که بچشم دیدیم و از شیاع و نواتر گذشت که یک عده ای دست بخیانت زدند و افراد را کشتند، آنروز هم عرض کردم برخلاف تمامی ادیان سماوی و قوانین بین المللی و قوانین خاصه قضائی دینی مملکت ماعمل کردند، باید این را روشن کنیم زیرا به مثل ما اعدای علیکم که قرآن مقرر میاید، اگر کسی عملی کرد، اگر جرعی کرد اگر ارتکابی کرد مثل او باید عمل کرد از این جهت علی مرتضی سلوات اله علیه و علی ابنازه روز بیستم ماه مبارک رمضان که فردای آن روز با فراداش رحلت فرمود بایسرش وصیت فرمود، حسن بن علی پسر بزرگش را احضار فرمود و گفت فرزندجان، من این ضربت را خودم ممکن است نجات پیدا کنم و ممکن است ارتحال پیدا کنم، اگر نجات پیدا کردم خود میدانم با ضارب و آقای دکتر بینا تصور می کنم ایشان یک سوء تفاهمی برایشان پیدا شده است - من تصور می کنم تیمسار وزیر جنگ آن روز از نظر جوابگوئی و دفاع بوکیل وارد سخن نشدند فقط خواستند دفاع کنند از حیثیت محکمه قشون (صحیح است) و قضایات مملکت و حکومت نظامی، یعنی فرماندار نظامی و تیمسار بختیار و اینها من تصور نمی کنم که مستقیماً خیال کرده اند که در مقام جوابگوئی نماینده برآیند زیرا همانطور که اشاره فرمودید جواب نماینده را نماینده باید بدهد و همینطور هم پسندیده است، البته خوب جناب آقای حائری زاده می دانند چه در مجلس پنجم چه در مجالس دیگری که مفتخر بوده بخدمتگذاری من عادت ندارم از ادب خارج شوم و با همو عقیده ای پیدا کنم که عقیده و فکر آزاد بگوئی را بگو بگو بگو بخواهد تحت فشار قرار بدهد این طور نیست من آن روز هم عرض کردم، سوء تفاهم شده است، من حسن نیت برای ایشان قائلم عرض کردم ایشان در بیانات چون از تریبون مجلس بسم ملت ایران می رسد در مردمان ساده لوح اعم از عشایر و ایلو و تاجر و کاسب سواثر کند که ناچارم جواب بدهم، از این جهت وارد می شوم با کمال ادب بیک مرحله ای از سخن که ایشان رامتنه کردیم اولاً آقایان (همه نمایندگان) استدعا دارم توجه بفرمائید (زنک رئیس) در جرائم مشهود در جرائم مشهود قوانین یک ردیفی را معین کرده ولی در جرائمی که بقرینه ادله استعمار، استدلال خارج گرام می خواهد اثبات شود بیک روشی دارد، جرم مشهود روش خاصی دارد، هیچ تردید ندارد، ماض سال در این مملکت مواجه

شود، آیا سهم امام برای اینگونه مصارف است؟ بجدتان آقا زاده مرحوم آقا میر سیدعلی حائری پسر بزرگوار تودر مشهد مقدس نوکر مرحوم حاجی معاون که حاجی ابراهیم زیدی را کشته بود، پدر بزرگوار شما گفت اگر او را قصاص نکنید من خودم میروم در حرم سرور امیرم برای چه بود؟ برای اینکه تعیض در احکام اسلام نشود و بسئلا ما اعدی علیکم عمل شود، نه اینکه مابعدت بگذاریم مردم را اقترا بزینهمت بزینم بکشیم، نهی اموال بکنیم، مطابق را در هم بریزیم، کتابخانه هارا آتش بزینم، آنوقت هم بگویند که سیاست استعمار چه، مرحوم سید رزم آرا چه کرد، من نمی خواهم قسم بخورم، آخر از همان روزی که ذات اقدس مایور شاهنشاه در اریکه سلطنت جلوس فرموده، آیا سید رزم آرا غیر از نوکری و خدمت مملکت کار دیگری میکرد؟ (محمدعلی مسعودی انداء اصلاً) چه کرده بود؟ حاجی علی رزم آرا توی مسجد خانه خدا باید ترور شود؟ و ان احد من اللش کین استجارک فاجرم حتی بسمع کلام الله باید بیاند بشینند و بروی هم، آنوقت حکم بدهند این را بکشید چرا محمد مسعود و کسروی را جلو انداختند این آزمایش بود، آن شب که زده بودند محمد مسعود را، شاید بعضی از آقایان بدانند که من از تیراندازی هم یک قدری بی اطلاع نیستم (احسن) بله، بله ورمایه، شکر میکنم خدا را که این احکام راهم طبق دستور جدم عمل کرده ام، عمل کرده ام (احسن) همه را میدانم صحیح آن شرفتم آنجا تشخیص کردم از تشخیصات من گاهی مأمورین استفاده میکنند، رفته فهمیدم، چون این دو نفر یک قدری مورد بغض مردم بودند اول در باره آنها آزمایش شد، بعد روی این آزمایش، اقرار صریح شده است، در پرونده تصریح شده است، بعد ادله قطعی را دیگر، که همه با هم مرتبط بوده، قضیه را مسجل و معقق کرده است آنوقت ما بگوئیم انگلیس اینطور کرده ام که ما ایرانی نمیتواند بکند (صحیح است) و قدرت ندارد جناب آقای حائری زاده جناب عالی که بمن لطف دارید و جزء مکتب مرحوم مدرس بودید و میدانید وقتی با اعتبار نامه من مخالفت شد در دوره پنجم اینجا صورت جلسه موجود است، مرحوم مدرس از آنجائی که آقای صدر زاده نشسته بود بلند شد گفت بیرون دم داد گستری فریاد زدند ما کردیم، باین کیفیت برورنه و چون آن یکی مجروح شده است در بیمارستان نتیجه اورا با نمانان کنند و از آنجا جلب کنند، این کجایش نکرده ایم، من آقاچه گناهی کرده بودم که شب نشستم مرا ترور کنند، ساعت یک باذان مانده در منزل آمده من در دستنامه ام که این جاهست نوشته ام افراد

رناوشته ام فردای آنروز مأمورین مستقیم باکامه یون حرکت کردند رفتند در پل که هر یک از این نواب صفوی دیگران، که شأن مجلس نیست یک حرفهایی اینجا زده شود والا باز میکردم که از کجا آب میخوردند، چرا این اعمال را میکردند، هر کس توی این مملکت آمد خدمت کند، گفتند جوجه استوکس، گفتند نوکراستعمار گفتند مغیر رژیم آخر باید یک جوری آلوده بکنند، اما زهن مبارک شاهنشاه آلوده نشد، افکار تابع عقل مستقیم تر شد فشرده تر شدند خدمتگذاران مملکت بهتر فهمیدند این بود که تا ساعت نصف شب از چهار دیوار مجلس میرفتند بالا و آنچه ناسزا بود برین واجداد من، با نام جمعه خوبی با آقا سید عبدالله بیچقانی، بغدادین ملت و مملکت میگفتند ماهه رادر راه دین و مملکت و انجام وظیفه تحمل کردیم (بنایه - صحیح است) برای چه آقا؟ بنده شما از ادب دارم، این عرایضی را که عرض میکنم برادر کوچکتر شاهستم من تصور میکنم اگر سوء تفاهمی پیدا شود، اگر افکاری از جهانی مترازل شود، این افکار را باید از راه دلیل و استدلال و منطق وجانه مستقیم اصلاح کرد ما بصر اینک بگوئیم حکومت نظامی بجهه ترور و بیرون رنده میسازد کجا؟ کجا؟ کجا؟ آن کسی که این اظهارات را میکند، مگر گفته ام انگشتش را بر دارد بگذار روی دلیل، بدون دلیل حرفی را قبول نکنید این راه را ببینید این مکتب درس باید بسته شود که باقرا و تهمت نام مردم خدمتگزار آلوده بخیانت و کثافت بشود، من آن روزی که خانه نشین بودم زندگیم را میفرورختم، باید تشکر کنم این آقای علامه وحید کرمانشاهی و آقای توری زاده هر روز پیش من میآمدند، اینها همه میزدند اتومبیلشان را میشکستند، حتی یک روزی یک آقای طبیبی آمد پیش من گفت آقای شوشتری چه ات هست؟ گفتم آقامن یک هدنی دارم، روی آن هدف کشته شوم پسندیده است، ما لم بر باد رود پسندیده است ناسزا بشنوم پسندیده است آن تاسی برای من هست لکم فی رسول الله اسوة، مگر باجواد عظام ما جسارت نکردند مگر اجداد عظام ما را تهمت نمزدند اما آنها با خدمت مردم و ارشاد مردم بسوی خدا، مردم راهدایت کردند و از کلمات زشت و ناپسند نهرای سیدند ما هم نهرای سیدیم این عرایضی که عرض کردم، اگر فرمایشات جناب عالی رایب یک بخواهم جواب بدهم که چه شهرتهائی بود، خود آقا میفرمائید شهرت ...

نایب رئیس - جناب آقای شوشتری وقت آقا تمام شد

شوشتری - من استدعا دارم دقیقه دیگر بمن وقت بدهید

نایب رئیس - اجازه بدهید عده برای

رأی کافی شود

شوشتری - بسیار خوب استدعا دارم (پس از چند لحظه عده برای رأی کافی شد)

نایب رئیس - آقایانی که با ده دقیقه اضافه صحبت آقای شوشتری موافقت فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد بفرمائید

شوشتری - فرمودند شهرتهائی بود، البته شهرتهائی میدادند، برای چه؟ برای اینکه یک خدمتگزار را دل سرد کنند ولی انصاف اینست که ما ملت ایران روی خدمت اشخاص فضاوت کنیم بزرگواران را سنجیم وقتی جنازه مرحوم شاه شاه کبیر را مراجعت میدادند همه آقایان دیدند که این ملت از ایستگاه راه آهن تا آرامگاه آن مرد بزرگ، چه جور اشک میریخت و گریسه میکرد، یک چنین معجزه بوجود آمده که تهران مثل آن را ندیده بود، رزم آرا با آن آرامش و با آن پاکیزه گی فراهم کرده بود، ساعت ده صبح من از شهر گرگان تلگراف زده بودم مرحوم سید رزم آرا که ششصد هزار تومان اعتبار باقی مانده را بفرمائید حواله کنند، ساعت ۱۰ شب جواب آمد آقای شوشتری ششصد هزار تومان حواله شد، بغزانه داری دستور داده شد، نمره حواله خزانه را تلگراف زده بود یک چنین خدمتگذاری که چرخ زنک زده و فرسوده و از هم دور رفته مملکت را به آرامش و نظم در آورد، البته این را چه جور می شود از بین برد ۰۰۴ بله میگویند که آقا میخواست تغییر رژیم بدهد، آقا هنوز رژیم مشروطیت در ایران نماند، این مصدق بود که هنوز از مادر تولد نشده دلش میخواست از دراج کند شاید جمهوری درست کند، این حرفها پسندیده نیست، با این حرفهای بدون دلیل و بینه و بدون مدرک، آنهم دلیلی که محکمه رویش حکم بکند، هیچ خدمتگذاری را نباید آلوده کرد، یک فسه ای را بگویم بنده خودم صبح منزل جناب آقای دشتی بودم در همان ایام خانه نشینی، آقای بابگانی، اغلب رفقای منم می دانند، ایشان هم بود جناب آقای ظهیر الاسلام ستانور تشریف آوردند آنجا آقای دکتر جزایری تشریف آوردند، عده ای بودند آقای ظهیر الاسلام تشریف آوردند گفتند که افشار طوس کشته شد، خوب یک حرفی بود، من به آقای بابگانی گفتم برو بیرون تحقیق کن که آیا صحیح است یا صحیح نیست رفت او بابکی از مأمورین خصیص شهر رفیق بود، برگشت آمد گفت بله جنازه اش را قبیل از اذان توی رودخانه کرج پیدا کرده اند، آوردند و بردند، این تا آنوقت این جوری شد، یکی دو ساعت دیگر دیدیم که عوض شد، غارومار

و آن اظهارات آمد آیا این اظهار و آن شهرت را من میتوانم مستند قرار بدهم، من تا الان که خدمت جناب عالی ایستادم نمیتوانم حکم کنم، چون خودم یک وظیفه ای دارم، فرمودند که بزور از منصور استعفاء گرفتند، منصور خودش از همه رنهارند تر است (حشمی - صحیح است) چطور بزور از او استعفاء گرفتند، باجناب آقای پس استعفا جناب آقای علاه راهم مصدق السلطانه بزور گرفته، اگر استدلال نیست بسئلا ما اعدی علیکم، ما هم جواب نقضی میدهم بفرمایش آقایان اهل علم، بنده چون می خواهم با کمال ادب صحبت کنم و از ادب خارج نشده باشم استدعا دارم از جناب آقای حائری زاده که اصلاً چون آخر مجلس است و ما و شما همه خدمتگزاران مملکتیم، باین گدانت خانه بدهیم و مجلس را رادار کنیم یک مقداری کارهای معوقه را به توفیق بزدان یک وهت آقایان نمایندگان آنها را بسامان برسانیم و بگذرانیم، من از اینجهت، تا این حد که میخواستم من امروز کتاب بیاورم و تمام آن بیانات را بگویم حتی استفاده ای که از قتل مرحوم احمد دهبقان شده است بگویم، حتی چرا حضرت امام جمعه را ضربه زدند ۰۰۴، برای اینکه امام جمعه را میخواستند از بین ببرند، همه اینها دلیل دارد، اما برای اینکه خودم حائری زاده نعوذ عرض کنم من که حضور آقای خودم در آن روشی وارد کردم مطمئنم جناب آقای حائری زاده، نمایندگان محترم شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاه، هیأت دولت، عموم ملت ایران، غیر از خدمت به مملکت و برگرداندن عظمت باستانی ایران، هیچ نظری نداشته و ندارد نه می خواهند باین مملکت خدمت کنند، البته این مکتب ما و راهها فرق میکند عقیده من این است که اگر شیعه ای برای آقا پیدا شده از راهش وارد شوید زیرا نباید یک عملی شود که مردم از خارج تصور کنند مجدداً مکتب مردم فریبی مصدق را بکند عده ای میخواهند درست کنند، این مکتب درس باید بسته شود (صحیح است) این مکتب بدر این مملکت نمی خورد، بدر این مملکت کار مثبت بخورد بر نامه خدمت میخورد، گذشت و لغامش میخورد، رفع کردن شبهه مردم میخورد تقویت قلوب مردم را باید کرد، از تضعیف باید پرهیز کرد، مردم را باید سوق بدهند به پهلوئی در سیاست، به پهلوئی در خدمت مملکت، به پهلوئی در دین، پهلوئی نسبت به ابناي خودشان، ما باید سعی کنیم که از این راه وارد شویم، یعنی بدانند اگر از این راه رفتیم بمقصود می رسیم و اگر از این راه رفتیم آن همان راهی است که اجنبی ها همان را انتظار دارند برای تضعیف ما ولی ما که وطن خواهیم، خدا پرستیم و



به مملکت علاقه داریم، باید از حرفهائی که دیگران استفاده میکنند و مهملات را حربه میکنند و بما میگویند برهیز جویم و معضرت میخواهم

نایب رئیس - جناب آقای حائری زاده

حائری زاده - من برای جواب آقایانی که جلسه قبلو این جلسه بیگانهائی فرمودند نامه‌ام و وکیل مدافع فدائیان اسلام و دکتر مصدق و حزب ایران و حزب توده و مصدق مسعود و کریم پور شیرازی و امثال اینها هم نیستیم که از آنها دفاع کنم و حملات آقایان متوجه آن جریانهای بود که حزب توده چه کار کرد، حزب ایران چه کار کرد، رئیس الوزاری وقت، دکتر مصدق چه گفت از ۲۵ تا ۲۸ مرداد چه کردند؟ اینها مسائلی است که من هیچ نمیخواهم وارد بشوم. خودهایشان زبان دارند، خودهایشان صحبت میکنند معاً که شده‌اند و می‌شوند تکلفشان معلوم میشود یک چیز لازم است بگویم که من قبل از اینکه پهلوئی در تهران کودتا کنند، سوم حوت ۱۲۹۹ شمس بود، بنده آنوقت وکیل بودم آنوقت مردم یزد مرا انتخاب کردند در اینرسی و پنج شش سال یک قدم هم جلو تر نرفتم همان وکیل همان اقلیت و همان وضعیت و همان اسلحه‌ای را که داشته‌ام دارم، نه رزم آراء دخالت در انتخابات من داشته نه قوام السلطنه نه زاهدی نه غیر ذلک و این دوره اخیر هم که انتخابات شد خدمت اعلیحضرت هم عرض کردم که مزاج من ضعیف شده. آدمی که در مجلس و جریانهای و کشکشا وارد بشوم نیست، حتی موقعی که اروپایی رفته، خدمتشان عرض کردم که اگر ما را ششم در خدمتگزاری مملکت حاضر هستیم الا دستور بفرماید که بنده را در لیست متقاضین وارد کنند و اینکه فشار آوردن متقاضین بشوم برای این بود که بروم راحت کنم اهل جنگ و مبارزه نبوده و نیستیم، یعنی بنده اشرار ندارم، اهل جنگ و مبارزه بوده‌ام ولی برای دفاع از قانون اساسی در مبارزه‌ها هم هیچ جنبه شخصی نداشته‌ام، آنوقتی که شاه سابق رئیس الوزرا بود و عمل می کرد برای تغییر سلطنت، پشت همین تریبون شدم با من مقاومت میکردم و مبارزه میکردم و استیضاح میکردم و اقدام میکردم پس از اینکه ایشان بمقام سلطنت رسیدند، یعنی مدعی بلامعارض شدند، احمد شاه که رفته بود، کسی هم از فامیل سلطنت که دفاع نمی کرد قانون اساسی را، آن تکه‌ای که مربوط با حقوق ملت بود ما دفاع میکردیم حقوق سلطنت بماند؛ خودشان دفاع کنند، تا آن اندازه‌ای داریم نباید بگذاریم دست بقانون اساسی بزنند و این کتاب برای ملت ایران بیاند اقدام کردیم و شکست خوردیم، موفق نشدیم، پس

این که آن روز یک قدمی برای ملت برداشته اند صدمه دیده‌اند زحمت کشیده‌اند باید از آنها قدر دانی بشود زلی وقتی که بین ۲۸ تا ۲۵ مرداد آن لوطی بازیها در تهران راه افتاده بود شنیدم افسرهای بودند که در تهران جشن گرفتند برای اینکه شاه با طیاره رفته است باین که آنها باید در موقع خطر سینه شان را سیر کنند و در جبهه فداکاری نمایند خیلی جای تأسف است بسیار جای تأسف است (دکتر بیبا - آنها باید مجازات بشوند، باید پدرشان را در آورد من گمان نمیکنم که همچو اشخاصی باشند) من میشنیدم

نایب رئیس - جناب آقای حائری زاده افسر خائن نمیشود بلکه خائن بلباس افسر در میاید

حائری زاده - حالا بهر تعبیری که میفرمائید در موضوع حرفی ندارم (دکتر بیبا - باید آنها مجازات بشوند) آنروزها من میشنیدم که یک همچو جریانی بوده است یک خوش آمدگویی بوده‌اند و این خوش آمدگوها یک قدمهائی بر میداشتند هیچوقت مخالفتی ندارم و قانون اساسی مقام پادشاه را مقدس و معترم قرار داده است وظیفه مردم است که احترام این مقام را رعایت کنند اگر ایشان میل ندارند که من انتخاب بشوم اصلا داوطلب نمایندگی نمیشوم ولی اگر شما مخالف نیستید بنا انتخاب من ترتیب اثر ندادن بشکایات مردم و مطالب آنها این کار از نظر انتخاباتی منم ضرر دارد مردم میگویند یک کشمکش بوده است بین ما مسلمانان و زردشتها فلانکس که وکیل ما بوده است باین که حق با ما بوده یک قدم برای ما بر نداشت و این برای من یک لطمه حیثیتی دارد حالا کار بفرمایند ایشان ندارم، رویه‌ام در زندگی این نبوده است که اصول را صرف نظر کنم جزئیات و شخصیات را از اول برایش اهمیت قائل نبودم هر کس که باشد و بخواید بر نهد، اصول باید همیشه معترم و مقدس باشد و بنده با فلانکس رفاقت کردم که وکیل بشوم مرد عشوی و کاتی را ببرد که شخص بادم بدهد من و کالت را مال مردم میدانم مردم اگر اراده بکنند، اگر این کرسی را ملت بمن بدهد بانکای ملت حرف می زنی ولی اگر این کرسی را سر نزنه بمن بدهد یک ساعت پشت این کرسی نمی‌ایستم چون آنرا نجس میدانم، در صدم مشروطیت یک اشخاصی فداکاریهای کرده‌اند، فامیل بهمانی، فامیل طباطبائی، فامیل آشتیانی فداکاری کردند احرار آذربایجانی، احرار بختیاری، احرار گیلانی همه فداکاری کردند تا آن رژیم بهم خورد و این کرسی‌ها گذارده شد و مردم پشت و پناه سگ‌ریها هستند آنها هم از فکر مردم دفاع کردند من برای فامیل آنها احترام قائلم برای

کرده بودند، ماسکه رفتیم صحبت بکنیم دیدیم تشکیل حزب را در راد بر اعلام کرده‌اند و نمیشود این تصمیم بر گردد گفت شما بیاید بنشینیم امرنامه و نظامنامه حزب را بنویسیم چون نظامنامه آن نوشته نشده بالاخره نشستیم و چندین جلسه رفتیم تا یک قدمهائی برداشته شد، آن حزب هم در آن روز خیلی خدمت کرد در مبارزه‌هایی که پیش آمد کرد و آن ریشه‌هایی که حزب توده بواسطه کمک اجانب در شمال پیدا کرده بود خطر حتمی بزرگی برای ایران پیدا شده بود آن حزب موفقی خیلی مقید واقع شد و در شکست آن حزب مؤثر بود (صحیح است) آقای نایب رئیس دولت بشوم بنده هم اینکاره نیستیم پس هیچ اختلافی نیست گفت پس این کشمکشها چیست؟ گفت من یک وظیفاتی دارم این قوانین که می‌آید بمجلس باید بفهمم و رأی بدهم حسب الغر موده نمیتوانم رأی بدهم از هر قانونی که قلا مطمئن باشم برای چه مصدق است، برای چه مصلحت است حتی در مجلس دفاع میکنم ولی بدون اطلاع نمیتوانم رأی بدهم گفت درست است، همین است گفت بلی - خدا حافظی کردیم آمدیم بیرون، بنده مخالفت و موافقتی که با رئیس الوزراهای وقت کردم از این جهت بوده که بعضیها روز اول را که آمدند تشخیص دادم که اینها هیچ خبری و شری ما آمدیم در راه ملت فداکاری کنیم من زردخوردیهای اینها مبارزه‌های اینها را در این مملکت بخاطر دارم اینها هم ردا احترام من هستند مسکن است در بین آنها خاصی باشد متعددی باشند ولی من اصولاً برای اینطبقه که آن روز اجدادشان در این مملکت فداکاری میکردند خدمت میکردند اینها احترام قائلم برای بهمانها آشتیانیها طباطبائیها احرار آذربایجانی گیلانی احترام قائلم ولی کسانی که دیگران زحمت کشیدند و یک سفرهای پهن شد حالا آمده اند اینجا بملت ناز و غمزه میفرورند من با این قبیل اشخاص نمیتوانم کنار بیایم برای این هاهم یکشاهای قیمت قائل نیستیم، من در همانوقتی که با پادشاه سابق کشمکش میکردم برای خاطر اصولی بود والا من باشخص شاه هیچگونه مخالفت و کدورتی نداشتم و بخاطر آن اصول کشمکش میکردم خدا رحمت کند مرحوم زعیب را او بمن میگفت سردار سیه میل دارم ترا ببینم تو هم یک رفتی معین کن که سردار سیه ترا ببینم گفت ما کاری با هم نداریم او سردار سیه است رئیس دولت است قشون دارم من یک آدمی هستم وکیل و در مجلس وظیفه‌ای دارم انجام میدهم گفت من شنیده‌ام آنها هم که در مجلس توفیق ندارند مثل مرحوم مدرس گاهی هم با ایشان صحبت میکنند، شاه من گمان است در یک مسائلی توافق حاصل بکنند یک رقع اشتباهاتی بشود یا صحبت کن رفتیم سمد آباد، مؤمنین بر بودند، نظرم می‌آید آقای دادگر آنوقت اجازه آنجا را عهده‌دار بودند من که رفتم

بامر حرم قوام السلطنه سر چنین موضوع پیش آمد چون ایشان میل داشتند بمجلس مجلسی باشد که بدون نظر ایشان قدمی برندارد بنده هم اصرار داشتم که باید بمجلس مجلسی باشد که بدولت حکومت کند که صلاح شاه و مملکت این است که مجلس قدرت داشته باشد چون دولت وقتی در مقابل خارجی ها تقاضای نامشروع از اومی شود یک فشار های داخلی باو وارد می‌شود باید با یکگاهی داشته باشد که بگوید مجلس شورای ملی لایحه را قبول نمی‌کنند این به صلاح مملکت است، اگر مجلسی باشد که دنیا تشخص بدهد هر چه رئیس دولت بگوید آن مجلس بدون چون و چرا رأی می‌دهد این مجلس یک شاهی نمی‌ارزد و بضرر مملکت است، سر این مسأله گزارش با ایشان بحث کردیم تا بالاخره رسیدیم به آنجائی که ایشان بمن بی اطاف شدند، بنده سازشکار نبودم برای اینکه وکیل ولی تشکیلات عمیقی نشد موفق نشده بود من رفتم در خراسان ماند تا یک تشکیلاتی داده شد یک مبارزاتی هم شد و بنفع مملکت هم تمام شد انتخبات هم کامل بخراسان نیفتاده بود من در خراسان شنیدم که کاندیداهائی از طرف حزب معلوم کرده اند پادشاه آمد طهران گفت که جهت ندارد دولت کاندیداهائی برای مردم معین کند باید مردم کاندیدا درست کنند و این آقای امیر تیمور حاضر است جناب قوام السلطنه نظر خوبی با ایشان نداشت ایشان در حزب دمکرات نبودند مستقل برای خودشان بودند

نایب رئیس - آقای حائری زاده وقت جناب عالی تمام شد

حائری زاده - اگر آقا اجازه بدهید چون مریض هستم امروز یک ساعت بمن وقت بدهید صحبت بفرمایم بکنم بعد هم بروم معالمانی شریکی بکام استراحت کنم

نایب رئیس - آقا چقدر وقت میخواهید؟

بعضی از نمایندگان - موافقین صحبت کنند

حائری زاده - یک ساعت اجازه بفرمائید

نایب رئیس - تمام کار مجلس روی حرف و صحبت گذشته است عملی هم انجام ندهیم آقایانی که بایکساعت وقت اضافی آقای حائری زاده موافقت قیام کنند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد بفرمائید (خلعت پری - بشرطی که امروز تمام بشود)

حائری زاده - من آمدم طهران اعتراض کردم که بیخود شما کاندیدا تعیین کردید تمایل خود مردم را تشخیص بدهید سر این موضوع مدتی کشمکش کردم خدا رحمت کند مرحوم موسوی زاده را طرفدار تعیین کاندیدا نمودم و کشمکش میکردم که بیرونهای کردیم تا نتوانستیم از آن حدت و شدت که برای تعیین کاندیدا ها بود تخفیفی حاصل بشود کشمکش من

حقوقی عرض نمی‌کنم که هر دو سیه‌ای یک مدد روز زمانی دارد که بعد بروند یک اعتراض بمحکمه‌های بنویسند، اینجا محکمه نیست اینجا یک مجلس سیاسی است دستگاههائی که مسؤره‌هاش اقرار برور از مردم گرفتن هست در قضیه قتل افشار طوس، من گفتم که یک اترااری که از رادبو ما شنیدیم از اشخاصی گرفته بودند اینها اگر صحیح بود پس چرا مهمین تیره شدند اگر صحیح نبود معلوم می‌شود یک فشاری بوده که مجبور شدند همچو اقراری بکنند (پور سرتیب - هیچ صحیح نبوده است) قبول دارم که مجبور شدند اینطور اقرار کنند چون اینجا گفته شد که دستگاه دستگاه عدالت است خواستم مدال کنم که دستگاه عدالت نیست دستگاه دوسیه سازی است (پور سرتیب - بله آن دستگاه همین طور بوده هنوز آثار شکنجه ها هست) من اظهاراتی را که در جلسه اسبق کردم یک مراسلاتی در این چند روز بمن رسید مراجع بکسروی حقیقتش این است که راجع بکسروی چیزی نمی‌دانم آن وقتی که او قاضی بود در دادگستری احکامش که می‌آمد در دیوانگشور من می دیدم بعد هم که داور او را کنار گذاشت یک کشمکش با داور پیدا کرد و یک حکم محکومیتی برای او در محکمه انتظامی صادر کردند تجدید نظر خواست، در تجدید نظر من بود من استنباط کردم که دارند برای او دوسیه سازی میکنند یک نفر را فرستادند در جاکش خانه‌های تهران که شهادت بدهد فلانکس در فلان شب با زنی که شوهر داشته پدر عده شوهر سابق بوده است در آنجا ملاقات کرده و این عمل را عمل منافی حیثیت قضائی تشخیص داده بودند و او را محکوم کرده بودند در اطراف این قضیه یک مدافعه خیلی رشیدانه کرده بود و من اولین دفعه ایکه لایحه دفاعیه منسل او را دیدم فهمیدم که یک مرد قوی و چیز نویسی است بعد یک حرفهائی شنیدم حوصله‌ای که روزنامه‌ها را زیاد بخوانم بیدان بکنم مگر وقتی که بخوام بخوابم و برای اینکه بخوابم تیر روزنامه‌ها را میخوانم ببینم چیست و الا وقت خواندنشان را ندارم کتابها و نشریه‌های اورامان ندیده‌ام ممکن است برای منم فرستاده باشد ولی وقت اینکه بخوانم پیدا نکردم دیدم یک کاغذهائی رسیده است که این آدم برضد اسلام بود، امر تدبیر و تودر مجلس او را معرفی نکردی من خدا شاهد است کتابهایش را ندیده‌ام فقط میدانم مرحوم افسان الله واه میگفت بعضی امراض هست که موجب متورم شدن غددی میشود در انسان که یک چیزهایی را برای خودش فرض میکند و یک چیزهایی را مسکوب (شوشتری - ابد الغلط) او را با همه مختل نام گذارد دیکتر فرودانه است ولی من نه د کترم نه مطاعلمانی در این قسمت کرده‌ام که دستور بدهم و تقوا بدهم

من اهل فتوایستیم چون صلاحیتی ندارم این بود که خواستم توضیح بدهم که سبک اعتراض حکم کرده‌اند بمن، چیزی ندارم که بگویم؛ اگر مرتد بوده برضد اسلام بوده است طبق موازین و اصول اسلام او را مهدورالمم و مرتد دانسته‌اند و کشته‌اند من از این مورد چیزی نمیدانم و وارد بحث نمیشوم اگر غیر از این بوده، غیر از این بوده، نسبت بجمعه مسعود که گفتم اسم آندو نفر سرباز را حالا نظرم نیست در آن موقع اسم و نامره سرباز هارامن با اطلاعاتی که دانستم در پشت تریبون مجلس شورای ملی گفتم در صورت مجلس هست، این شهریک شهری است که اشخاص و مقامات برای اینکه افکار و نظرها خودشان را بوقع اجرا گذارند و اگر یک قوتی، نیروئی حالا قوت قلم باشد چاقو کش باشد و هو و جنجال باشند، اینها، اینها توفیق میکنند که از آن بهره برداری کنند، و حالا اساس بحث من روی آن وظیفه‌ها دستاکی است ارتش که ماده ۳۱۷ را استناد میکنند و ماده ۳۱۶ ماقبل این سن ماده هیچ ارتباطی با این موضوعاتیکه روی آن دارند عمل میکنند ندارد اینکار برای دوسیه سازی است هر آدم ساده‌ای که سواد فارسی داشته باشد این مواد را که میخواند میفهمد که استناد به آن نمیشود کرد ولی مادامیکه بنام نمایندگی مردم از کرسی که مان مردم هست استفاده میکنند وظیفه‌دار هستم از حقوق مردم دفاع کنم آن اندازه‌ای که بنه دارم، اگر حال مزاجی من مساعد برای این حرفه نباشد و بسری شدم آنوقت آن تکلیف از من ساقط است مابک قانون مجازات عمومی داریم که در آنجا سه ماده‌اش را من میخوانم قسمت سوم در سوء قصد نسبت بر رئیس مملکت ماده ۸۰ است -

هر کس سوء قصد بجایات رئیس مملکت نماید ویس از شروع بعملی که خارج از اراده مرتکب است بلا تأمل براند جای اوجیس با اعمال شاقه ازده تا پانزده سال است اگر بواسطه سوء قصد جراحی بر رئیس مملکت وارد آید که منجر بقوت نشود جزای مرتکب حداکثر مجازات مذکور است ماده ۸۲ اینجا در مخالفت وضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی است -

ماده ۸۲ - هر یک از وزراء و اعضاء پارلمان و صاحب منصبان و مأمورین دولتی که برضد حکومت ملی قیام نمایند یا حکم قیام را بدهند محکوم بعدام است

ماده ۸۳ - هر یک از اشخاص مذکور در ماده قبل بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی بانها داده محروم نماید از شغل خود منفسل و از پنج تاده سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد. این بکنند و یک چیزهایی را مسکوب (شوشتری - ابد الغلط) او را با همه مختل نام گذارد دیکتر فرودانه است ولی من نه د کترم نه مطاعلمانی در این قسمت کرده‌ام که دستور بدهم و تقوا بدهم



تکفیر ارتش است این قانون در فصل دوم  
سوقه نسبت بهیات اعلی حضرت همایون  
شاهنشاهی یاوالاحضرت همایون ولایتعهد  
در این موضوع است ماده ۳۱۶ که مورد  
استنادشان نیست؛ هر کسی که نسبت بهیات  
اعلی حضرت همایون شاهنشاهی یاوالاحضرت  
همایون ولایتعهد سوء قصد نماید پس از  
دادرسی وثبوت بزمه محکوم باعاده است این  
ماده ای که مورد استناد بود و پیراهن عثمان  
شده میخواست در اطراف آن بحث کنیم ببینیم  
که غیر از دوسیه سازی چیز دیگری هست؟  
ماده ۳۱۷ هر کسی که مرتکب سوء  
قصدی شود که منظور از آن خود اید هم از اساس  
حکومت یا ترتیب وراثت تخت و تاج و خواجه  
تجربیس مردم مسلح شدن بر ضد قدرت  
سلطنت باشد محکوم باعاده است در این  
شهر دستجاتی بودند که بالباس نظامی نشان  
بود بالباس عامه داشتند بالباس عادی اینها  
هر کدام یک روزه افراطی اتخاذ میکردند  
سربازی که حاضر بوده است غیر از کار سربازی  
کار دیگری بکنند ممکن است او را موقوف  
یاد بگران برای ترور استفاده کنند یک اشخاص  
عادی چاقو کش که در مجلسها هستند دوسیه  
هم زیاد دارند اینها ای حق و حساب گرفتن  
داش مجله بودن یک شمار دست بند و چاقو  
کشی دارند ممکن است اشخاصی هم از  
ایشان حمایت کنند و از اینها استفاده کنند  
کما اینکه حمایت میکنند و استفاده هم  
میکند دلیل اینکه این تره باری که از  
ورامین میاید بمیدان یولی که بعبیب زارع  
ورامینی میرسد تا یولی که از جیب شما بیرون  
میاید که این را میبرید سر سفره میگذازی  
چند برابر تفاوت دارد چیست؟ یک ربیع  
عبیب زارع نمیرسد سه ربیع را همین  
چاقو کشها و واسطه ها بلند میکنند و  
ایشان اگر تقویت نشوند نمیتوانند اینکار را  
بکنند اینها تقویت میشوند جشن میگیرند  
آقایان هم از آنها تجلیل میکنند و احترام  
میکند من میگفتم شما میگفتند آقا میکند  
هه میگفتند یا بیشترند میگفتند یا میخواهند  
آلتشان بکنند و از آنها تجلیل و احترام  
میکند یک دسته لباس مذهبی میبوشند  
باسم فدائیان اسلام اینها دسته سوم بودند  
اینها یک تئوریهای عجیب و غریبی داشتند  
من نظرم است یک روز یا بعد از آن روز بود  
منزل من یکی از اشخاصی که آنجا حاضر بود  
لطفاً بود یکی دو نفر آمدند که شخصاً من دوبر  
آنها را دیده ام اگر آنها را ببینیم ممکن  
است بشناسم ولی اسامشان را نمیدانم دیدم  
بعنی که دارند راجع بخبات مملکت است  
و اینها دارند شتر را در خانه تقی زاده  
میخواهند که آنها بمملکت خیانت کرده اند  
چه کرده اند و مهدور الدم هستند و از این  
حرفها من گفتم که اصول اسلامی آقایان  
باین خشکی که شما صحبت میکنید نیست  
دیگران هم مدرسه رفته اند و چیز میداندند

اسلام یک حد و مرزی هم دارد نه اینکه  
هر کسی کسی را مهدور الدم بداند میتواند  
بکشد این عملی نیست این حرف مربوط  
باختلاف سلبه است ممکن است عقیده  
من با سلبه آقای تقی زاده تطبیق نکند  
در خیلی مسائل با هم اختلاف داشته باشیم  
ولی او روی یک عقیده و ایمانی قدم بر میدارد  
نمیشود گفت که خانن بمملکت است و این  
تخصیص و معاکه تقیایی کردن معنی ندارد  
توی آن مجلس بحث کردیم و رفتند و  
کرار آنچه بانو دمای ها و با آقایان بهر طریقه ای  
که می رسیدیم بحث و انتقاد داشتیم صحبت می کردیم  
اینها تئوریهای عجیب و غریب دیگری داشتند  
که حالا لازم نیست در اطراف آن بحث  
کنم اینها رفته اند یک عملی انجام داده اند  
بعقیده من حالا ممکن است تکفیر سیاسی  
باشم که این عقیده را اظهار بکنم من  
همانوقت می شنیدم که نشریه های کسروی  
را و کتابهای او را یک خان بهادری یک  
خان صاحب هست که در بصره که نظر کرده  
نوشته های او را چاپ میکنند و تحویل مردم  
میدهند انگلیس یک چیزی نیست که شکل  
شیطان و شاخ و دم داشته باشد و عکسش را  
بکشند که شما به پیشه این جناب انگلیس  
است این جناب خان بهادری که در بصره این  
کتابها را چاپ میکند و نشر میکند برای  
این است که ایجاد اختلاف بکند بین یک  
ملت مسلمان آن دمستی آن کسی که یک مملکت  
متحد را متلاش میکند و پراکنده میکند  
من اسمش را انگلیس میگذازم شما اسمش  
را هر چه میگذازی بگذارید این دستگامی  
که ایجاد تفرقه میکند دین میسازد و حزب  
میسازد برای تفرقه بعقل ناقص بنده از  
سابق هم همان روس ها و انگلیس ها بودند  
حالا هم همان روس و انگلیس ها هستند متها  
عقیده و تئوریشان و تبلیغاتشان فرق میکند  
و انگلیس ها از من قویتر میدانند در ایران  
آنها قویتر هستند حالا من کفر سیاسی دارم  
خوب کافر باشم از این دستگاه تغریب هه  
رنگی بیرون میاید همه اش هم تئوریهای  
حسابی است بزرگ دین هم در میان اصول  
اولیه اسلام چه بوده است؟ اینکه حالا هست  
مسلمانانی است این حقیقت است؟ روی این  
بحث کم کم وارد میشود کم کم می بینید که  
نواب صفوی که مقام علمی اش خیلی ضعیف  
است یک تئوریهایش برایش پیدا میشود یک  
کسالت مزاجی هم ممکن است داشته باشد که  
اگر بلقان السواه مراجعه میکرد معلوم  
میشد این یک نفس مزاجی یا کسالت روحی  
دارد دیگری هم معتقد میشود که او مصلح  
است دنبال او میرود من کتابی را دیدم ۹۰  
ورق همچو چیزی هست این را فرستادند  
برای من و خواننده بود ولی این روزها  
کامین بحث شد شروع کردم بخواندن آن  
یک چیزهایی در این هست که بچه ده ساله  
میخواند تشکیلاتی که نوشته مثل اینکه دنیا

را خواسته باشند عوض کنند بنویسند اداره  
میکنیم سلطنت هارا تغییر میدهم یک چیز  
های عجیب و غریبی نوشته که بچه ده ساله  
میخواند خوب در نتیجه یک کسالتی یک همچو  
فکری برایش پیش آمده است اگر بده کثر  
ها مراجعه کند تشخیص میدهند (شوشتری  
در مصدق هم همین نظر بود که اگر بده کثر  
ها مراجعه میکردند معلوم میشد که مخالف  
نیست با نظر شما حالا هم مراجعه کنید این  
است که هر کسی چه بچه باشد چه بزرگ  
چه موافق باشد چه مخالف اگر یک قدمی  
که بفتح اجتماع است دارد بر میدارد من  
مسلمکم این است که بهش نمیتوانم بیشتر  
کمکم میکنم اگر مخالف اجتماع قدم  
بر میدارد نمیتوانم مخالفت و تعقیب میکنم  
اگر نتوانستم که حرفی ندارم جناب آقای  
دکتر مصدق را که میفرمائید در قضیه بارزه  
نفت در دوره پانزدهم که ایشان نبودند ما  
مبارزه را شروع کردیم در دوره ۱۵ ایشان  
در احمد آباد تشریف داشتند در طهران  
نبودند در مجلس ماسه چهار نفر بودیم که  
لاجه کسی گشتایان آمدند مجلس و ما ایستادیم  
مقاومت کردیم حوادث هم با کمک کرد در  
آخر عمر مجلس بود که وقت تمام شد و این  
لاجه کسی گشتایان از تصویب مجلس نگذشت  
و یک دکان نفتی باز شد در دوره ۱۶ خیلی ها  
از این دکان نفت دزای نان و آب شدند  
ولی آنها بیگانه این دکان را باز کردند  
هه هاش کتک خوردند که یکی از آنها بیگانه  
این دکان را باز کرد بنده بودم که کتکش  
را هم خوردم چه کتک و صدق و چه بعدش  
این مسئله را شما غافل نباشید که یک  
چند قدم مغربی مصدق برداشت منتهی آن  
وقتی که دیگر عجز داشت قدمی نمیتوانست  
بردارد صلاح بود که برود کنار و کنار رفت  
کرار ما گفتم اوقول نکرد و ایستاد  
و رسید بکار بجاییکه ملاحظه فرمودید بکار  
رسید و آن روزی که انگلستان ضعیف بود  
ممکن بود خیلی کارها بشود انگلستان امروز  
خیلی قوی تر از آن روزی است که ملت ایران  
میخواست نفت را ملی کند آن روز پیشنهادات  
خوبی هم رسید امریکاییها واسطه و دلال  
اینکار بودند پیشنهادهای مفید و خوبی رسید  
و من با ایشان میگفتم که من اطلاعات فنی و  
و فنی هیچ ندارم ولی اینکار را باید یک  
صورتی تمامش کرد آن دقتی را که در  
زمان مظفر الدین شاه داری آمد برای نفت  
در این مملکت باز کرد و بعد که نفت در دنیا  
یک قیمتی پیدا کرد موجبات کودتا و مجلس  
تحت الامری را انگلیسها فراهم کردند تا  
قرارداد ۳۳ را آمدند تجلیل بملت ایران  
کردند من میگفتم حالا که انگلستان ضعیف  
شده است ممکن است این دفترها را باز  
کرد و یک دفتر نو برای مصلحت این ملت تنظیم  
کرد شما با من خوب افاطی هم نکتید اشخاصی  
هستند که آنها کارهای خوب کرده اند این  
کارهای خوب را باید کمک کرد و اگر کار

بسی کرده اند باید انتقاد کرد و اینها را برین  
مطالعه طرف حمله و تعرض قرار دادن معنی  
ندارد این موادی که من خواندم با آن سوابق  
که طرف تهمت این حرف بود که ممکن  
است خواسته باشد عبدالناصر ایران بشود  
چون مرد کار آمدی بود و این مرد کار آمد  
ولایت و مدیر و مدیر مخالفینش میگفتند یا  
حقیقت بود من نمیدانم شهادتی ندارم هر  
حال در مظان این تهمت بود این شخص آمد  
بر خلاف جریان عادی رئیس دولت شد در  
موقع ریاست دولتش چون صفات حسنه  
زیادی داشت ولی نسبت بکار خراجش من  
مشکوک بود در مجلس او موافقت نکردم  
رأی با نهادم حتی استیضاح کردم ولی در  
استیضاح من مطالعه فرمائید که تمام باو  
نصیحت دادم که شما یکسرباز رشیدی هستید  
بروح ایران را بگیر از انگلستان و حق  
ایران را تضییع نکن حتی خود او در آن  
موقع بن میگفت که این مخالفت شما بفتح  
ما هست انگلستان ملایم شده آرام شده و این  
آمده است و سبک شده است و حالا میشود  
قدمهایی برداریم من تصور میکنم همان چیزی  
را که اسمش را انگلیس میگذازم و شما  
اسمش را هر چه میگذازی بگذارید همان  
موجب مرگ رزم آرا شد همان باعث شد که  
این مرد را بکشند در این مملکت هر کس  
لباقت و شخصیت داشته باشد که بتواند بفتح  
مردم قدمی بردارد نمیکند از بندش هر جور  
هست باید ازین بروی (شوشتری - پس  
مهدور الدم نبود) من که عرض کردم مدافع  
فتوای دیگران نیستم چه بدهم چه بدهم و فتوای  
میدهد (شوشتری - باسواد همچو فتوایی  
نمیدهد) این موضوع که پس از کشته شدن  
رزم آرا چه شد جناب آقای علاء که طرف  
اعتقاد اعلی حضرت همایونی و در حالا هم طرف  
اعتقاد اعلی حضرت همایونی هست آمد رئیس  
دولت شد چه جور این ماده ۳۱۷ تطبیق  
است و اینکه این نظرش تغییر رژیم و تغییر  
اساس سلطنت و فلان و فلان بوده است و  
هر کس که در این جریان بگردد و جواب سلام  
صفوی سلامش کرده است و جواب سلام  
و من با ایشان میگفتم که من اطلاعات فنی و  
و فنی هیچ ندارم ولی اینکار را باید یک  
صورتی تمامش کرد آن دقتی را که در  
زمان مظفر الدین شاه داری آمد برای نفت  
در این مملکت باز کرد و بعد که نفت در دنیا  
یک قیمتی پیدا کرد موجبات کودتا و مجلس  
تحت الامری را انگلیسها فراهم کردند تا  
قرارداد ۳۳ را آمدند تجلیل بملت ایران  
کردند من میگفتم حالا که انگلستان ضعیف  
شده است ممکن است این دفترها را باز  
کرد و یک دفتر نو برای مصلحت این ملت تنظیم  
کرد شما با من خوب افاطی هم نکتید اشخاصی  
هستند که آنها کارهای خوب کرده اند این  
کارهای خوب را باید کمک کرد و اگر کار

هم حرفهایی که زده است قبول میکنند یک  
مردی که چندی پیش بچاش را کشته اند  
(سلطان مراد بختیار - کی کشته؟) کشته اند  
آقا؟ بالاخره کشته شده (سلطان مراد  
بختیار - بچاش خودش مرد) من شهادتی  
ندارم در این موضوع خودش انتخاب کرد  
و مرد (دکتر بینا - منی گوئیم چه جور مردولی  
انتخاب نکرد) (شوشتری - عجلاناً زنده  
نیست) ما یعنی نداریم بکنیم یک آدمی که  
جوانش مرده و خودش هم مرض قلبی دارد  
که باید با زوروش را بگیرند که از یله ها بالاو  
پائین اش ببرند این را هم منکر نباشید که  
یک عده ای معتقد بآبت الله و حبیج اسلام  
هستند (دکتر بینا - همه هستند) پس از  
گرفتاری او چه از عراق و چه از مالک اسلامی  
دیگر اعتراضاتی با من عمل شد و میشد (یک  
نفر از نمایندگان - بیخود میکنند) بیخود می  
کنند یا نمیکند من که نمیتوانم جلوی او را  
بگیرم (دکتر بینا - ما به پیشوایان مذهب اسلام  
معتقد هستیم اینها تاج سر ما هستند)  
اگر این شخص خدای نکرده در مجلس  
تلف شد (سلطان مراد بختیار - میبرند خاکش  
میکند) هیچکس باور میکند که خودش  
تلف شده است؟ میگویند مثل پدرش رفتند  
است من با رژیم مخالفم و افایر او مطابق  
با این ماده است اینها قابل توجه است)  
**نایب رئیس** - آقای مشایخی استدعا  
میکنم صحبت فرمائید  
**حائری زاده** - من وارد بحث نواب  
صفوی نمیشوم و وکیل فدائیان اسلام نیستم  
آنها هر رویه ای اتخاذ کردند من وارد  
بحث نمیشوم این پیش من مجهول است  
روشن نیست آن چیزی که پیش من روشن  
است این است که آقای مکی، آقای زهری  
آقای آزاد، حسن، محمود، تقی و اینها را  
بمنوان توطئه علیه مقام رژیم سلطنت خواسته  
باشند بگیرند و نظامی آنها را توقیف کند  
این را من مخالف هستم (سلطان مراد  
بختیار - تحقیقات کردند آنها بیگانه  
نداشتند آزادشان کردند) ملاعبه با قانون  
میکند یک ماده قانونی را اسم میبریم و  
خلافتش را داریم عمل میکنیم چون اشخاصی  
در دادگستری داریم که چهل ماده قانون  
را برای قانون بیچ کردن و کپی کردن  
قاضی ردیف میکنند و توی لایحه شان  
می نویسند وقتی هر ماده را مراجعه میکنید  
می بینید که مربوط بموضوع نیست اینها  
ملاعبه با قانون است نه عمل بقانون باید  
این را قانون نویس و علمای حقوق مطالعه  
کنند به پیشه منبای اینست چیست تطبیق  
میکند با این موضوع و یا تطبیق نمیکند  
خدا شاهد است که من هیچ میل نداشتم  
که اصلاً وارد این بحث بشوم زیرا که با  
نزاع مقام سلطنت شده است؟ (سلطان مراد  
بختیار - چه مربوط بمقام سلطنت است؟)  
این چه نفعی برای شما عاید شد چه نفعی برای  
شما مترتب بود اتهام وقتی وارد میشود شما  
نکتند آثار جرم را معروض بکنند اما وقتی که  
آبت الله کاغذی مصاحبه کرده در دنیا حالا

از کشته شدن او بنده ذینفع بوده ام آقای  
علاء ذینفع بوده اند بعد هم آقای دکتر  
مصدق ذینفع بوده اند بعد هم آقای زاده  
ذینفع بوده اند بعد هم باز آقای  
علاء ذینفع بوده اند هیچ ربطی بمن نداشته  
است و من در تمام حکومتها جریس گردنی  
نفعی نداشتم ام (عبدالرحمن فرامرزی -  
پس کار آن کسی بوده است که دودقه ذینفع  
بوده است) ولی هوچیگری دستگاه کار  
را بجائی رسانیده که من را مجبور کرده اند  
ببایم اینها در اطراف این موضوع بحث بکنیم چرا؟  
رای اینکه روزها که ما شاهانه آزاد هستند اگر  
چیزی منظور نظر حکومت باشد آنها خودشان  
نمی نویسند همین که حس کردند دولت این  
موضوع را نمی پسندد خودشان این را نمی  
نویسند حتی یکی از نطق های من را از  
نطق هائیکه توی مجلس چاپ شده بود  
یک نفر از نمایندگان از اجازت قضائی  
بجست میکند؟ (تفسیر قانون با مجلس  
شورای ملی است مجلس میتواند قوانین  
را تفسیر بکند اگر نمی خواهید عکس  
مطلوب را تفسیر بکنند بیایید مجلس  
الساهه تفسیر بکنید (مشایخی - دیشب در  
روزنامه ها نوشته بود که نواب صفوی گفته  
است من با رژیم مخالفم و افایر او مطابق  
با این ماده است اینها قابل توجه است)  
**نایب رئیس** - آقای مشایخی استدعا  
میکنم صحبت فرمائید  
**حائری زاده** - من وارد بحث نواب  
صفوی نمیشوم و وکیل فدائیان اسلام نیستم  
آنها هر رویه ای اتخاذ کردند من وارد  
بحث نمیشوم این پیش من مجهول است  
روشن نیست آن چیزی که پیش من روشن  
است این است که آقای مکی، آقای زهری  
آقای آزاد، حسن، محمود، تقی و اینها را  
بمنوان توطئه علیه مقام رژیم سلطنت خواسته  
باشند بگیرند و نظامی آنها را توقیف کند  
این را من مخالف هستم (سلطان مراد  
بختیار - تحقیقات کردند آنها بیگانه  
نداشتند آزادشان کردند) ملاعبه با قانون  
میکند یک ماده قانونی را اسم میبریم و  
خلافتش را داریم عمل میکنیم چون اشخاصی  
در دادگستری داریم که چهل ماده قانون  
را برای قانون بیچ کردن و کپی کردن  
قاضی ردیف میکنند و توی لایحه شان  
می نویسند وقتی هر ماده را مراجعه میکنید  
می بینید که مربوط بموضوع نیست اینها  
ملاعبه با قانون است نه عمل بقانون باید  
این را قانون نویس و علمای حقوق مطالعه  
کنند به پیشه منبای اینست چیست تطبیق  
میکند با این موضوع و یا تطبیق نمیکند  
خدا شاهد است که من هیچ میل نداشتم  
که اصلاً وارد این بحث بشوم زیرا که با  
نزاع مقام سلطنت شده است؟ (سلطان مراد  
بختیار - چه مربوط بمقام سلطنت است؟)  
این چه نفعی برای شما عاید شد چه نفعی برای  
شما مترتب بود اتهام وقتی وارد میشود شما  
نکتند آثار جرم را معروض بکنند اما وقتی که  
آبت الله کاغذی مصاحبه کرده در دنیا حالا

اشخاص ظاهر اصلاح هم هستند که انتخاب  
شده اند از دوستان خود من هم هستند که  
میدانم مردمان خوبی هستند ولی تب مخالف  
داشته اند منصرف باینها نبوده است تب مخالف  
آنها ممکن است در دوره پیش در انجمن شهر  
بودند اینها دست و پا و بهایا کردند که در  
انتخابات شرکت کنند در آنجا تجمع  
میشود تلگراف میشود بر مرکز که وضعیت  
چنین است تکلیف چیست بکار حل قانونی  
پیدا میشود و آن این است که روزیازدهم  
که آنجا روز اخذ رأی است مایک  
حکومت نظامی شش روزه دست میکشیم روز  
۱۳ اعلان حکومت نظامی میکنیم ۱۴  
۱۵ و ۱۶ و ۱۷ در روز ۱۸ ختم میکنیم و  
ضمناً اعلان میکنیم که این حکومت نظامی  
آن چنان حکومت نظامی است که منافات  
با اهل انتخابات ندارد آزادند ولی آتھانی  
که کاندید مخالفند یا طرفدار کاندید مخالف  
هستند اینها را حکومت نظامی طبق ماده  
۵ اجازه دارد بگیرد آنها را که توقیف  
کردند حکومت نظامی ممکن است برای  
اینکه رفع سوء تفاهم بشود وقتی که آراء  
توی صندوق رفت بگویند شما اگر از ما  
راضی هستید و رضایت نامه اینجوری بما  
میدهد که اینها مردمان خوب و شریفی  
بودند ما را آزاد میکنیم و وسایل آزادی ترا  
فراهم میکنیم و ولت میکنیم و آزادی  
که بیرون بروی ولی اگر سرور صد بکنید  
میفرستیم خلیج بروی صد کن از آنها صد  
بکسی نمیرسد از آنها باین ترتیب رضایت  
نامه گرفته اند روز ۱۳ اعلان شده  
روز ۱۴ اخذ رأی شده روز ۱۵ ختم شده  
روز ۱۸ اشخاصی که توقیف شده اند کسشان  
را چاپ کردند رضایت نامه را هم به لویس  
چاپ کردند این استیل و سیستم انتخابات خیلی  
عالی است (حمید بختیار - ولی جریان انتخاب  
انجمن شهرهای خورستان خیلی عالی بود)  
این را من یک روزی عرض کردم  
هه جا خوب است مگر من گفتم که بد است  
این را منکر نیستم که آدمهای خوبی  
انتخاب شده اند ولی خودشان می دانند  
این شکل انتخابات اگر حقیقه با قانون  
مخالف نیست و رویه اش خوب است این  
درس حقوقی است چرا بفرانسه نمیدهد  
که گرفتار شده بریزوز رئیس الوزرا معلوم  
شده باز دو مرتبه گرفتار شده اند در اثر  
اینکه انتخابات آنها عاقلانه انجام نشده  
است خوب است این اصل حقوقی را باینها  
درس بدهید تا در فرانسه هم اجراء کنند  
که مردم آنجا از این بلشو و هرج و  
مرج نجات پیدا کنند و یک مملکت منظم  
و متحدانشکلی درست کنند من این رویه  
و سیستمی که مسطورده اتی را دیدم فاتحه  
آزادی انتخابات را خواندم و چون خودم  
داوطلب این کار نیستم تأثیری ندارم ولی  
وای بر حال مملکتی که مسئولیت در یک  
نقطه تمرکز پیدا کند هر چه حسن نیت



داشته باشند از حسن نیت هیئتروسولینی در آلمان و ایتالیا بیشتر نیشود این ها خیلی خیلی خدمت هم به مملکتشان کردند ولی چون قدرت یکجا تمرکز پیدا کرده بود حوادث آمد و اینها را نابود کرد من باین استیلی که دولتهای مآخرا انتخاب کرده اند که تمامی کارها را دارند از مجرای طبیعی خارج میکنند و بعد تکیه اش می دهند بیک مقامی که پیش من و همه ایرانیها محترم است (صحیح است) این صلاح ایران نیست من آن وقتی که جنک می کردم در دوره شاه سابق ارادتی بقاجار نداشتم من نمی خواستم انگشت در قانون اساسی بروم مقام سلطنتی که در قانون اساسی هست همیشه محترم است البته خود قاجار به رفتن کنار و الا بی بودند و یک شخص لایقی آمد جای آنها را گرفت و بلا مدعی و بلا معارض هم بود این را من هیچ مناسب مقام شامخ سلطنت نمی دانم که این رویه ای که دوستان نادان و دشمنان دانای شاه دارند عمل میکنند من این رویه ها می که عمل میشود من میگویم اینها دوست نادانند یا دشمن دانانند و همانجوری که بیدرشان بیفام کردم که اگر از من دل چر کینی دارید من داوطلب نیستم و میروم تذکره هم گرفتم که بروم عتبات و رفتم برای خدا حافظی گفتند مگر برای انتخابات یزد نیروی گفتم که اگر اعلیحضرت نظر لطفی بین داشته باشند که رفتن یزد لازم نیست و موکلین من بمن رأی میدهند اگر هم ساخته باشند بنده معارض نیستم ایشان گفتند که تغییر شما برو یزد و اجازه نداد که بروم عتبات و تذکره آنروز هنوز توی جمعه من هست که گرفته ام و ایشان اجازه ندادند که بروم عتبات و گفتند که یزد برو و انتخاب شو من مخالف نیستم همین عقیده را نسبت بشاه فعلی دارم. مقام سلطنت مقامی است که باید همه بآن احترام کنند باید مقدس باشد نباید این مقام را بکنند آلوده بشود این که در قانون اساسی آمده و کارها مسئولیتش با وزیر است و می گوید وزراء دستور کتبی و شفاهی شاه را نمی توانند برای برائت خودشان مستند قرار بدهند دیگر صرفت از این نمیشود البته شاه مقامی دارد تصایحی میدهد نباید دولت بان تصایح توجه کند ولی مسئولیت با دولت است مع التأسف دوستان نادان و دشمنان دانای شاه هر کاری را که بفرنج میشود میبندند تکیه اش می دهند بمقام سلطنت این بضرر مملکت است و بصلحت مملکت نیست ما پیر شده ایم و میرویم ولی تجربه ای که اندوخته ام از این حوادث روزگار و صدماتی که دیدم نتیجه اش اینست که باید اصول را محترم شمرد شما برای مقام خودتان یک مقامی را آلوده نکنید من یک روزی حضور اعلیحضرت بودم از اختیارات بحث شد گفتم که اگر اعلیحضرت پنده مهر داشته باشند دشمنهای من از شما میبندند که شما چرا از حائز براده حمایت میکنید اگر شما بی مهر باشید و بمن بی مهری کنید دوستان من از شما میبندند شما مقام دیگری دارید که صلاح شخص شما و صلاح مملکت هر دوست از من و شما میبندد آقای سالار بهزادی و کیل شوند یا شیخ رجیبلی، هر دو در پیشگاه مقام سلطنت احترام میگذارند، برای مقام سلطنت فرقی نمیکنند از هر کدام که حمایت بفرمائید آن مخالفش از شما میبندد باید شما بی طرف باشید مصلحت شخص شما این است و قانون اساسی ما مصرح است البته من چون غرضی و طمعی نداشتم چون صلاح ایشان را تشخیص میدادم حضورشان عرض کردم اما اشخاص بیرون حضور ایشان میگویند اعلیحضرت باید از اختیارات سلطنتی استفاده بفرمائید خوب این اختیارات بفتح من و حسن و حسین است این بلیشوی که درست میشود برای اینست که بتوانند از خودشان هم تشریف ندارند متافانه تقریباً تکرار همان مطالبی بود که در دفعات قبل فرمودند و چیز تازه ای نفرمودند که بنده بخواهم عرضی کرده باشم یک نکته ای فرمودند راجع به افسران که جشن گرفتند این را باید عرض کنم که شخص اعلیحضرت همایونی بعنوان بزرگ ارتشداران فرمانده فرد فرد افسران را بخوبی میشناسند و دستگاه ما یک دستگاهی است که از امور جاریه داخله کشور و حتی خارج کشور هم مطلع است چه جور ممکن است دستگاه ایشان اطلاع داشته باشند که این افسران ممکن است برای تشریف بردن اعلیحضرت جشن بگیرند و خوشخانه این تشریف فرمائی هم دو سه روز بیشتر طول نکشد تصور نمیکنم فرصت آن بود که کسی توانسته باشد نامه ای بنویسد و جشنی برپا سازد راجع به ماده ۳۱۷ فرمودند که در اینجا بنده مجبور توضیحاتی عرض میکنم این ماده ۳۱۷ صراحت دارد که عتبات و توطئه ای که بر علیه رژیم مملکت بعمل میآید در صلاحیت محاکم نظامی است منتهی آقای حائز براده اصلاً قائل هستند که بقول خودشان قشون قاضی نمیخواهد قشون دادگاه نمیخواهد ولی در مسافرتی که اخیراً برای بازرسی سفارتخانه های خارجی به ممالک اروپا فرمودند قطعاً مشاهده کرده اند که تمام ممالک مترقی ارتششان دادگاه دارد و ارتش بدون دادگاه و قاضی نمی تواند باشد ایشان میفرمایند که قتل سهید رزم آرا مشمول این نمیتواند باشد برای اینکه بعد از سهید رزم آرا جناب آقای علاء آمدند و هیچ اتفاقی هم نیفتاد بنابراین توطئه بر علیه حکومت نبود ولی بعد دیدیم که همین دستگاه همین تروریستها بر علیه آقای علاء هم توطئه کردند پس هدف این عده خصومت باین شخص بخصوص رزم آرا نبوده بلکه بر علیه

رژیم مملکت و حکومت مشروطه بوده و سلطنت قیام کرده بودند و برنامه معین و مشخصی داشتند که تمام اشخاص میبایند سرکار بر روز و نوبت بودند و خودشان هر رژیمی که صلاح میدانند برقرار کنند (داراب-افزار کرده اند) علاوه هسانطور که مسبقاً در شب هم در روزنامه ها ملاحظه فرموده اند دادستان ارتش گفت راجع بوضعیت آقای کاشانی در اینجا مذاکره کردند که آقای کاشانی در زندان هستند ولی تمام وسائل برای ایشان فراهم است و اینها مخصوصاً خودم تأکید کردم و از دادستان ارتش پرسیدم و یقین دارم که بهیچوجه ناراحتی ندارند اگر هم خدای نکرده کسالتی بایشان روی دهد مقرراتی هست دستگاهی هست بهترین طبیبها هستند اگر طبیب مخصوص بخواهند از خارج میبریم و اگر طبیب مادی بخواهند از ارتش میبریم دستگاه ما دستگاهی نیست که کسی بخواهد بی احترامی کند یا ناراحتی فراهم کند و بقول آقای حائز براده اذیت کند کسی را ولی موظف است که وظایف خودش را انجام بدهد فرمودند آقای کاشانی ممکن است در مجلس خدای نکرده فوت کند مگر برای همه هست پس هیچکس را نباید توقیف کنیم که مبادا توی مجلس فوت بکند دستگاه دادری ما خودش را موظف میداند و وجدان و شرافت قضات محاکم میکنند و قدرت دولت هم محکم میکنند که هیچ تبعیضی در کار نباشد اگر ما بنا باشد چند نفر یا برهنه و بی سرو پا و گمنام را بگیریم اعدام کنیم و آنوقت یک اشخاصی که مطابق یک پرونده ای باید تعقیب شوند یا تبرئه و یا محکوم بشوند ما موظفیم که همه را بیک چشم نگاه کنیم و وظیفه قانونی خود را اجرا کنیم والا ارتش از نظر مصالح شخصی خودش اصراری ندارد که برای خودش یک صلاحیتی ایجاد کند و می کار درست کند چه بهتر که ارتش مامم مثل ارتشهای دنیا فقط همانطور که ایشان فرمودند برای موقع جنک باشد اما خدمتخواستیم ولی وضع مملکت ما طوری است که هم در زمان صلح و وظائف خطیر مشکلی بعهده ماست و هم در زمان جنک والا البته آمال ارتش همان است که در زمان صلح استراحت بکند و در موقع جنک عمل بکند ولی قانون حکم میکند احتیاج مملکت و مقتضیات حکم میکند که ما در موقع صلح هم از خدمتگذاران کوتاهی نکنیم بنده بخواهم این چند مسامت نطق جناب آقای حائز براده که توجه کامل کردم باین نظر گرفتن اینکه فرموده بودند اطلاعاتی راجع بیرون رزم آرا دارند چیزی دستگیر من نشد شاید دلیل آن بود که من اطلاعات قضائی صحیحی ندارم بهمین دلیل هم راجع بنکات قضائی که ایشان فرمودند غیر از ماده ۳۱۷ که نظر خودم را عرض کردم نمیتوانم اظهار نظری بکنم

میکنم و عرض میکنم که بنده حکومت نظامی برقرار کردیم اما حکومت نظامی از لحاظ انتخابات مصفاً نبود بجهت این که شب قبل از شروع رأی محاکمات نظامی را برقرار کردیم و مطلقاً از آنها بی که کانند بودند کسی گرفتار نشد بهیچوجه امدادات موظف است که در مملکت نظم برقرار بکند (صحیح است) یکی از نمایندگان وظیفه اش است آقایان بعاظر دارند که در زمان حکومت آقای دکتر مصدق چه بلیشوی راجع به انتخابات راه افتاد و بالاخره هم توفیق حاصل نکردند که انتخابات را در این مملکت تمام کنند و آمار صحیحی که در وزارت کشور موجود است ۲۷۰ نفر کشته شده اند و عجب این است که روی سوابقی که هست اشخاصی که میآمدند و شکایت میکردند بدولت وقت خود دولت دل توی دلشان میکشادند است و تشویششان میکرد است به این کارها آقایان اگر آزادی را این میدانند بنده اینجور آزادی را برای انتخابات نمی دانم. شما اطمینان میدهم، اطمینان میدهم که نهایت آزادی در انتخابات خواهد بود و نمونه ای که انجام شده این نویسنده میدهم اما در مورد آقای حائز براده که بنده به ایشان شخصاً ارادت دارم میخواهم عرض کنم که اینقدر آزادی خواهد بود که اگر یکوقت مردم یزد میل کردند که به ایشان رأی بدهند یا اگر یکوقت مردم تهران هم میل کردند که بایشان رأی بدهند یا اگر مردم سبزوار هم میل کردند که بایشان رأی بدهند رأی میدهند (احسن)

میکنم و عرض میکنم که بنده حکومت نظامی برقرار کردیم اما حکومت نظامی از لحاظ انتخابات مصفاً نبود بجهت این که شب قبل از شروع رأی محاکمات نظامی را برقرار کردیم و مطلقاً از آنها بی که کانند بودند کسی گرفتار نشد بهیچوجه امدادات موظف است که در مملکت نظم برقرار بکند (صحیح است) یکی از نمایندگان وظیفه اش است آقایان بعاظر دارند که در زمان حکومت آقای دکتر مصدق چه بلیشوی راجع به انتخابات راه افتاد و بالاخره هم توفیق حاصل نکردند که انتخابات را در این مملکت تمام کنند و آمار صحیحی که در وزارت کشور موجود است ۲۷۰ نفر کشته شده اند و عجب این است که روی سوابقی که هست اشخاصی که میآمدند و شکایت میکردند بدولت وقت خود دولت دل توی دلشان میکشادند است و تشویششان میکرد است به این کارها آقایان اگر آزادی را این میدانند بنده اینجور آزادی را برای انتخابات نمی دانم. شما اطمینان میدهم، اطمینان میدهم که نهایت آزادی در انتخابات خواهد بود و نمونه ای که انجام شده این نویسنده میدهم اما در مورد آقای حائز براده که بنده به ایشان شخصاً ارادت دارم میخواهم عرض کنم که اینقدر آزادی خواهد بود که اگر یکوقت مردم یزد میل کردند که به ایشان رأی بدهند یا اگر یکوقت مردم تهران هم میل کردند که بایشان رأی بدهند یا اگر مردم سبزوار هم میل کردند که بایشان رأی بدهند رأی میدهند (احسن)

میکنم و عرض میکنم که بنده حکومت نظامی برقرار کردیم اما حکومت نظامی از لحاظ انتخابات مصفاً نبود بجهت این که شب قبل از شروع رأی محاکمات نظامی را برقرار کردیم و مطلقاً از آنها بی که کانند بودند کسی گرفتار نشد بهیچوجه امدادات موظف است که در مملکت نظم برقرار بکند (صحیح است) یکی از نمایندگان وظیفه اش است آقایان بعاظر دارند که در زمان حکومت آقای دکتر مصدق چه بلیشوی راجع به انتخابات راه افتاد و بالاخره هم توفیق حاصل نکردند که انتخابات را در این مملکت تمام کنند و آمار صحیحی که در وزارت کشور موجود است ۲۷۰ نفر کشته شده اند و عجب این است که روی سوابقی که هست اشخاصی که میآمدند و شکایت میکردند بدولت وقت خود دولت دل توی دلشان میکشادند است و تشویششان میکرد است به این کارها آقایان اگر آزادی را این میدانند بنده اینجور آزادی را برای انتخابات نمی دانم. شما اطمینان میدهم، اطمینان میدهم که نهایت آزادی در انتخابات خواهد بود و نمونه ای که انجام شده این نویسنده میدهم اما در مورد آقای حائز براده که بنده به ایشان شخصاً ارادت دارم میخواهم عرض کنم که اینقدر آزادی خواهد بود که اگر یکوقت مردم یزد میل کردند که به ایشان رأی بدهند یا اگر یکوقت مردم تهران هم میل کردند که بایشان رأی بدهند یا اگر مردم سبزوار هم میل کردند که بایشان رأی بدهند رأی میدهند (احسن)

میکنم و عرض میکنم که بنده حکومت نظامی برقرار کردیم اما حکومت نظامی از لحاظ انتخابات مصفاً نبود بجهت این که شب قبل از شروع رأی محاکمات نظامی را برقرار کردیم و مطلقاً از آنها بی که کانند بودند کسی گرفتار نشد بهیچوجه امدادات موظف است که در مملکت نظم برقرار بکند (صحیح است) یکی از نمایندگان وظیفه اش است آقایان بعاظر دارند که در زمان حکومت آقای دکتر مصدق چه بلیشوی راجع به انتخابات راه افتاد و بالاخره هم توفیق حاصل نکردند که انتخابات را در این مملکت تمام کنند و آمار صحیحی که در وزارت کشور موجود است ۲۷۰ نفر کشته شده اند و عجب این است که روی سوابقی که هست اشخاصی که میآمدند و شکایت میکردند بدولت وقت خود دولت دل توی دلشان میکشادند است و تشویششان میکرد است به این کارها آقایان اگر آزادی را این میدانند بنده اینجور آزادی را برای انتخابات نمی دانم. شما اطمینان میدهم، اطمینان میدهم که نهایت آزادی در انتخابات خواهد بود و نمونه ای که انجام شده این نویسنده میدهم اما در مورد آقای حائز براده که بنده به ایشان شخصاً ارادت دارم میخواهم عرض کنم که اینقدر آزادی خواهد بود که اگر یکوقت مردم یزد میل کردند که به ایشان رأی بدهند یا اگر یکوقت مردم تهران هم میل کردند که بایشان رأی بدهند یا اگر مردم سبزوار هم میل کردند که بایشان رأی بدهند رأی میدهند (احسن)

میکنم و عرض میکنم که بنده حکومت نظامی برقرار کردیم اما حکومت نظامی از لحاظ انتخابات مصفاً نبود بجهت این که شب قبل از شروع رأی محاکمات نظامی را برقرار کردیم و مطلقاً از آنها بی که کانند بودند کسی گرفتار نشد بهیچوجه امدادات موظف است که در مملکت نظم برقرار بکند (صحیح است) یکی از نمایندگان وظیفه اش است آقایان بعاظر دارند که در زمان حکومت آقای دکتر مصدق چه بلیشوی راجع به انتخابات راه افتاد و بالاخره هم توفیق حاصل نکردند که انتخابات را در این مملکت تمام کنند و آمار صحیحی که در وزارت کشور موجود است ۲۷۰ نفر کشته شده اند و عجب این است که روی سوابقی که هست اشخاصی که میآمدند و شکایت میکردند بدولت وقت خود دولت دل توی دلشان میکشادند است و تشویششان میکرد است به این کارها آقایان اگر آزادی را این میدانند بنده اینجور آزادی را برای انتخابات نمی دانم. شما اطمینان میدهم، اطمینان میدهم که نهایت آزادی در انتخابات خواهد بود و نمونه ای که انجام شده این نویسنده میدهم اما در مورد آقای حائز براده که بنده به ایشان شخصاً ارادت دارم میخواهم عرض کنم که اینقدر آزادی خواهد بود که اگر یکوقت مردم یزد میل کردند که به ایشان رأی بدهند یا اگر یکوقت مردم تهران هم میل کردند که بایشان رأی بدهند یا اگر مردم سبزوار هم میل کردند که بایشان رأی بدهند رأی میدهند (احسن)

میکنم و عرض میکنم که بنده حکومت نظامی برقرار کردیم اما حکومت نظامی از لحاظ انتخابات مصفاً نبود بجهت این که شب قبل از شروع رأی محاکمات نظامی را برقرار کردیم و مطلقاً از آنها بی که کانند بودند کسی گرفتار نشد بهیچوجه امدادات موظف است که در مملکت نظم برقرار بکند (صحیح است) یکی از نمایندگان وظیفه اش است آقایان بعاظر دارند که در زمان حکومت آقای دکتر مصدق چه بلیشوی راجع به انتخابات راه افتاد و بالاخره هم توفیق حاصل نکردند که انتخابات را در این مملکت تمام کنند و آمار صحیحی که در وزارت کشور موجود است ۲۷۰ نفر کشته شده اند و عجب این است که روی سوابقی که هست اشخاصی که میآمدند و شکایت میکردند بدولت وقت خود دولت دل توی دلشان میکشادند است و تشویششان میکرد است به این کارها آقایان اگر آزادی را این میدانند بنده اینجور آزادی را برای انتخابات نمی دانم. شما اطمینان میدهم، اطمینان میدهم که نهایت آزادی در انتخابات خواهد بود و نمونه ای که انجام شده این نویسنده میدهم اما در مورد آقای حائز براده که بنده به ایشان شخصاً ارادت دارم میخواهم عرض کنم که اینقدر آزادی خواهد بود که اگر یکوقت مردم یزد میل کردند که به ایشان رأی بدهند یا اگر یکوقت مردم تهران هم میل کردند که بایشان رأی بدهند یا اگر مردم سبزوار هم میل کردند که بایشان رأی بدهند رأی میدهند (احسن)

میکنم و چون پرداخت این را نمیشود موقوف گذاشت استند میکنم بقوربت آن رأی بنده

**۷- تقدیم یک فقره لایحه بقید یک فوریت بوسیله آقای وزیر کشور**

نایب رئیس - جناب آقای وزیر کشور

وزیر کشور (علم) لایحه ایست مربوط به تمدید اعتبارات فرمانداری های جنوب که یکدفعه تمدید فرموده اند حالا تقدیم میکنم و استند میکنم که اگر موافقت بقید یک فوریت باشد

نایب رئیس - بسیار خوب، آقای کریمی

کریمی - یک پیشنهادی باعضای بیست نفر از آقایان نمایندگان که در چندین قبل تقدیم مقام ریاست شده است برای مقدم داشتن دو لایحه مال کمیسیون نظام

که تصویب شده است استند میکنم توجه بفرمائید

**۸- تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه**

نایب رئیس - بنده عرض میکنم اگر آقایان حرکت نفرمائید دو کلمه عرض دارم و بعد جلسه را ختم میکنم و اگر حرکت بفرمائید جلسه را تعطیل نخواهم کرد با اجازه آقایان جلسه روزیکشنبه اولاً سر ساعت نه صبح زنگ زده خواهد شد و استند میکنم که آن روز سوالات مطرح نشود و آن سه ساعت ما چند لایحه در دستور داریم یکی لایحه عوارض بزرگ است یکی طرح تشدید مجازات رانندگان که مورد علاقه همه آقایان نمایندگان است و یکی هم فوریت این لایحه تقدیمی از طرف وزارت دارائی است و یکی هم عهده نامه بازرگانی و دریاوردی ایران و هند است که تا تشریف فرمائی ذات همایونی این کار را تمام کنیم سه ساعت ۹ صبح زنگ زده میشود و بنده جلوس خواهم کرد و هر کس نباید قیاب محسوب خواهد شد

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی نورالدین امامی

معاون وزارت دارائی (انوازی) - برای استحضار آقایان عرض میکنم موقعی که بودجه ژاندارمری و بودجه شهرداری در کمیسیون بودجه مطرح بود برای ترمیم حقوق ژاندارمری و تفاوت حقوق پاسبانها که بجزان ماهی شصت تومان برای هر نفر در نظر گرفته شده بود بنا بود اعتباری برای این منظور تأمین بشود کمیسیون این طور تصمیم گرفت که از محل اعتبار ماده ۷۱ بودجه کل کشور که ۳۹ میلیون تومان است و برای ترمیم اضافات سال ۳۳ کارمندان که تفکیک و تقسیم وزارتخانه ها شده بود و باید از این محل استفاده کنیم از صرفه جوئیها این ترمیم و آن تفاوت پرداخت بشود ولی در عمل وضع جریان رسیدگی و تصویب بودجه ها و پرداخت اضافات وزارتخانه ها معلوم شد که برای پرداخت ترمیم حقوق پاسبانها این اعتبار کافی نیست لذا برای بهمن و اسفندماه پرداخت این تفاوت موقوف میماند لذا لایحه ای است که طی یک ماده واحده بقید یک فوریت تقدیم

**۶- تقدیم یک فقره لایحه بقید یک فوریت بوسیله آقای معاون وزارت دارائی نایب رئیس - بسیار خوب، جناب آقای انوازی**

معاون وزارت دارائی (انوازی) - برای استحضار آقایان عرض میکنم موقعی که بودجه ژاندارمری و بودجه شهرداری در کمیسیون بودجه مطرح بود برای ترمیم حقوق ژاندارمری و تفاوت حقوق پاسبانها که بجزان ماهی شصت تومان برای هر نفر در نظر گرفته شده بود بنا بود اعتباری برای این منظور تأمین بشود کمیسیون این طور تصمیم گرفت که از محل اعتبار ماده ۷۱ بودجه کل کشور که ۳۹ میلیون تومان است و برای ترمیم اضافات سال ۳۳ کارمندان که تفکیک و تقسیم وزارتخانه ها شده بود و باید از این محل استفاده کنیم از صرفه جوئیها این ترمیم و آن تفاوت پرداخت بشود ولی در عمل وضع جریان رسیدگی و تصویب بودجه ها و پرداخت اضافات وزارتخانه ها معلوم شد که برای پرداخت ترمیم حقوق پاسبانها این اعتبار کافی نیست لذا برای بهمن و اسفندماه پرداخت این تفاوت موقوف میماند لذا لایحه ای است که طی یک ماده واحده بقید یک فوریت تقدیم

**۴- تقدیم لایحه تفریح بودجه ۱۳۳۲ مجلس شورای ملی بوسیله آقای خرازی**

نایب رئیس - وارد دستور میشود آقای خرازی (کار بردار) - لایحه تفریح بودجه مجلس شورای ملی متعلق به سال ۱۳۳۲ از طرف کار برداری تقدیم مجلس

میکنم

نایب رئیس - بسیار خوب، جناب آقای انوازی

انوازی - بنده عرض میکنم اگر آقایان حرکت نفرمائید دو کلمه عرض دارم و بعد جلسه را ختم میکنم و اگر حرکت بفرمائید جلسه را تعطیل نخواهم کرد با اجازه آقایان جلسه روزیکشنبه اولاً سر ساعت نه صبح زنگ زده خواهد شد و استند میکنم که آن روز سوالات مطرح نشود و آن سه ساعت ما چند لایحه در دستور داریم یکی لایحه عوارض بزرگ است یکی طرح تشدید مجازات رانندگان که مورد علاقه همه آقایان نمایندگان است و یکی هم فوریت این لایحه تقدیمی از طرف وزارت دارائی است و یکی هم عهده نامه بازرگانی و دریاوردی ایران و هند است که تا تشریف فرمائی ذات همایونی این کار را تمام کنیم سه ساعت ۹ صبح زنگ زده میشود و بنده جلوس خواهم کرد و هر کس نباید قیاب محسوب خواهد شد

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی نورالدین امامی

معاون وزارت دارائی (انوازی) - برای استحضار آقایان عرض میکنم موقعی که بودجه ژاندارمری و بودجه شهرداری در کمیسیون بودجه مطرح بود برای ترمیم حقوق ژاندارمری و تفاوت حقوق پاسبانها که بجزان ماهی شصت تومان برای هر نفر در نظر گرفته شده بود بنا بود اعتباری برای این منظور تأمین بشود کمیسیون این طور تصمیم گرفت که از محل اعتبار ماده ۷۱ بودجه کل کشور که ۳۹ میلیون تومان است و برای ترمیم اضافات سال ۳۳ کارمندان که تفکیک و تقسیم وزارتخانه ها شده بود و باید از این محل استفاده کنیم از صرفه جوئیها این ترمیم و آن تفاوت پرداخت بشود ولی در عمل وضع جریان رسیدگی و تصویب بودجه ها و پرداخت اضافات وزارتخانه ها معلوم شد که برای پرداخت ترمیم حقوق پاسبانها این اعتبار کافی نیست لذا برای بهمن و اسفندماه پرداخت این تفاوت موقوف میماند لذا لایحه ای است که طی یک ماده واحده بقید یک فوریت تقدیم



## سؤالات نمایندگان

بسم الله الرحمن الرحيم  
ریاست محترم مجلس شورای ملی  
خواهشمند است سؤال اینجانب را  
برای وزارت کشور ارسال دارند که در موعد  
مقرر وزیر محترم در مجلس حضور بهم رسانیده  
جواب لازم را بدهد  
از چند سال قبل بطور مشهود عدای  
از پیشه وران و دستفروشان در تعدادی از  
خیابانها و معابر عمومی روی نهروها و حواشی  
خیابان دکا کین چوبی و ساختمانی بنا نموده  
تا آنجا که تقریباً نصف از دو طرف خیابان  
و یا یکطرف در تصرف آنها در آمده و بر  
خلاف قانون توسعه معابر و موازین شرع  
و قانون معابر مسدود شده بطوری که  
همه روزه سبب اتلاف نفوس گشته است  
توضیح فرمایند بچه مجوز قانونی اجازه  
داده شده و از روی چه اصل افراد معابر را  
تصرف کرده اند و دیگر توضیح فرمایند  
آیا این متصرفین طبق قراردادی اجازه  
میدهند و یا اینکه خودسرانه این تجاوز را  
کرده توضیح سوم لازم است معلوم شود

برای جلوگیری از این تجاوزها و اجرای  
قانون توسعه معابر از طرف شهرداری  
تهران و شهرستانها چه اقدامی خواهد شد  
ضمناً خواهشمند است تحقیق فرمایند که  
از اراضی میدان سنگلج که باغ ملی شده  
و محدود گشته چه مقدار زمین در اطراف  
آن باقیمانده که بفروش نرسانده تا نظریه  
خود را در موقع طرح سؤال مربوط باین  
قسمت با توضیحات کافی بمجلس بدهم  
سید محمد علی شوشتری

مقام ریاست مجلس شورای ملی  
در اوایل دوره تقنینیه فعلی از وزارت  
کشاورزی سؤالی کردم که بچه علت املاک  
موسوم بگریت را که طبق نص صریح  
قانون بایستی بین کشاورزان بلاهوض تقسیم  
و تسهیم گردد بیک نفر خان متعددی محل بنام  
خانجان رضائی داده اند وزیر کشاورزی  
وقت ضمن تأیید مطالب اینجانب و عده  
صریح دادند که در استرداد و تقسیم املاک  
مذکور بین رعایا اقدام کنند چون تاکنون  
اقدامی صورت نگرفته خواهشمند است مقرر  
فرمائید آقای وزیر کشاورزی برای ادای  
توضیح در موعد مقرر در مجلس شورای  
ملی حضور یابد  
پور سرتیب

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی  
تمنی دارم بجناب آقای وزیر دارائی  
اطلاع داده شود در مجلس حاضر شده و  
راجع بجزئیات اخیر اداره دخانیات و  
قرارداد انحصار فروش توتون توضیحات  
کافی بدهند.  
دکتر بینا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی  
تمنی است سؤال ذیل را برای  
جواب بدولت ابلاغ فرمایند.  
چندین سالست که چهار کارخانه بسته  
بندی چای در کرج زیر برف و باران در  
فضای بدون سقف مانده است علت اینکه  
این چهار کارخانه تا حال بکار نیفتاده و  
بدون حفاظت مانده چیست و مسئول کیست  
و دولت چه اقدامی برای کار انداختن آنها  
خواهد نمود.  
ارسلان سلعتبری

مقام ریاست مجلس شورای ملی  
خواهشمند است مقرر فرمائید در اسرع  
اوقات جناب آقای وزیر بازرگانی که عضویت  
شورای عالی چای را دارند در مجلس  
حضور یافته و بسؤال زیر پاسخ دهند.

۱- با اینکه بسط و توسعه محصولات  
و مصنوعات داخلی از وظایف حتمیه دولت است  
و در این باره گزارش از پیشگاه مبارک ملوکانه

تا کیدات بلیغه شده است دولت برای بسط  
و توسعه چای داخلی که از نظر اقتصادی  
حائز کمال اهمیت است چه اقدامی بعمل  
آورده

۲- در این موقع که بسبب فراوانی  
بیحد چای خارجی (که اغلب بطریق قاچاق  
وارد کشور میشود) و همچنین موجودی زیاد  
چای داخلی تولید کنندگان چای از لحاظ  
عدم فروش محصول خود دچار زیان و  
خسارت غیر قابل جبران شده و یکی بعد از  
دیگری ورشکست میشوند دولت چه اقدامی  
در حفظ و صیانت این طبقه مردم مولد و  
زحمت کش معمول داشته است.

۳- چون مسلم است که با کساد  
بازار چای و عدم جریان معاملات و فروش  
چای در حال حاضر برای خریداری برك  
سبز در سال آینده هیچکس اقدام نخواهد  
کرد دولت چه برنامه ای برای موقع برداشت  
محصول که سه ماه دیگر بوقت آن باقی  
نمانده از نظر فروش حاصل دسترنج چندین  
صد هزار نفر کشاورزان چای که فعلاً با  
اضطراب و نگرانی بسر میبرند تدویر  
نموده است.

سرتیب صفاری